# شوق حضور ۱۰۲

آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش (عبدا... هنری) مشهد
فرهنگی،آموزشی، اجتماعی و خبری/ نیم سال اول ۱۴۰۵



# فصل تازه‌ای از زندگی

ماه مهر، برای ۵۰ فرزند دانش‌آموز و دانشجوی آسایشگاه شهید فیاض‌بخش، فصل تازه‌ای از زندگی است.
تحصیل برای این عزیزان، فقط تهیه نوشت‌افزار نیست؛ رفت‌وآمد دشوار، نیاز به امکانات مناسب و داشتن مراقب مسیر آموزش را برای این عزیزان پرهزینه‌تر و سخت‌تر می‌کند، چیزی که گاه نیاز است از نزدیک لمس شود. با این همه آن‌ها با امید و پشتکار، در مدارس و دانشگاه‌های شهر مشغول تحصیل‌اند.

**بیایید نگذاریم کمبود امکانات، مانعی در برابر حق آموختن و ساختن آینده این عزیزان باشد.**

**از شما دعوت می‌کنیم با پیوستن به پویش «مهرِ مهربانی»، شور زندگی و شوق آموختن را میان آنان تکثیر کنیم.**
**و در آفرینش دنیایی زیبا برای افراد دارای معلولیت سهیم شویم.**

پیشاپیش از حمایت شما در همراهی و تامین موارد ذیل صمیمانه سپاسگزاریم.

| | | |
|---|---|---|
| ۱ | هزینه ثبت نام مدارس دانش آموزان دختر و پسر | ۲۵ میلیون |
| ۲ | تهیه کتب درسی دانش آموزان | ۱۶ میلیون |
| ۳ | ثبت نام دانشجویان دختر و پسر و هزینه های تحصیلی | ۳۰ میلیون |
| ۴ | هزینه سرویس مدارس در طی سال | ۵۰ میلیون |
| ۵ | حق التدریس مربیان آموزشی | ۵۰ میلیون |
| ۶ | خرید لباس و کفش ورزشی و لوازم ورزشی | ۱۰۰ میلیون |
| ۷ | تامین محصوات مراقبتی بهداشتی روزانه (پوشینه بزرگسال و خردسال) | ۱۰۰ میلیون |
| ۸ | تهیه لوازم کمک آموزشی دیجیتال جهت آموزش های مجازی(گوشی موبایل) | ۱۰۰ میلیون |
| ۹ | دوربین عکاسی جهت دانش آموزان رشته عکاسی | ۸۰ میلیون |

تصمیمی جدید با رویکرد بهبودزندگی فرزندان دارای معلولیت فیاض‌بخش، هریک شایسته حق زندگی خوب هستند این بار در حرکتی جدید تصمیم داریم برای محصلینین خانه فضایی جذاب و بزرگتر فراهم نماییم. فضایی که فرصت رشد، یادگیری، پرورش اعتماد به نفس و مهارت فردی را بهبود و مسیرشان را به سوی استقلال و موفقیت، بهتر از قبل هموار سازد.. با ساخت و تجهیز این فضای جدید، علاوه بر فراهم آوردن محیطی شایسته‌تر برای رشد و آینده بهتر محصلین فعلی، ظرفیت بیشتری برای پذیرش کودکان، نوجوانان و جوانان دارای معلولیت، که در خانواده‌های کم‌برخوردار ومناطق محروم، زندگی می کنند. ساخت و تجهیزاین فضا، نیازمند تومان اعتبار است.

شد؛ تا هر روز، نیکیِ شما در این خانه جاری باشد و انرژیِ این نیکی، به زندگی خودتان بازگردد. یادتان باشد که کودکی را از رنجی بزرگ نجات داده اید.شما می‌توانید یک سهم از این آینده باشید. نام شما به پاس این همراهی، بر لوح ورودی ساختمان ماندگار خواهد.



# فصل تازه‌ای از زندگی

ماه مهر، برای ۵۰ فرزند دانش‌آموز و دانشجوی آسایشگاه شهید فیاض‌بخش، فصل تازه‌ای از زندگی است.
تحصیل برای این عزیزان، فقط تهیه نوشت‌افزار نیست؛ رفت‌وآمد دشوار، نیاز به امکانات مناسب و داشتن مراقب مسیر آموزش را برای این عزیزان پرهزینه‌تر و سخت‌تر می‌کند، چیزی که گاه نیاز است از نزدیک لمس شود. با این همه آن‌ها با امید و پشتکار، در مدارس و دانشگاه‌های شهر مشغول تحصیل‌اند.

**بیایید نگذاریم کمبود امکانات، مانعی در برابر حق آموختن و ساختن آینده این عزیزان باشد.**

**از شما دعوت می‌کنیم با پیوستن به پویش «مهرِ مهربانی»، شور زندگی و شوق آموختن را میان آنان تکثیر کنیم.**
**و در آفرینش دنیایی زیبا برای افراد دارای معلولیت سهیم شویم.**

پیشاپیش از حمایت شما در همراهی و تامین موارد ذیل صمیمانه سپاسگزاریم.

| | | |
|---|---|---|
| ۱ | هزینه ثبت نام مدارس دانش آموزان دختر و پسر | ۲۵ میلیون |
| ۲ | تهیه کتب درسی دانش آموزان | ۱۶ میلیون |
| ۳ | ثبت نام دانشجویان دختر و پسر و هزینه های تحصیلی | ۳۰ میلیون |
| ۴ | هزینه سرویس مدارس در طی سال | ۵۰ میلیون |
| ۵ | حق التدریس مربیان آموزشی | ۵۰ میلیون |
| ۶ | خرید لباس و کفش ورزشی و لوازم ورزشی | ۱۰۰ میلیون |
| ۷ | تامین محصوات مراقبتی بهداشتی روزانه (پوشینه بزرگسال و خردسال) | ۱۰۰ میلیون |
| ۸ | تهیه لوازم کمک آموزشی دیجیتال جهت آموزش های مجازی(گوشی موبایل) | ۱۰۰ میلیون |
| ۹ | دوربین عکاسی جهت دانش آموزان رشته عکاسی | ۸۰ میلیون |

تصمیمی جدید با رویکرد بهبودزندگی فرزندان دارای معلولیت فیاض‌بخش، هریک شایسته حق زندگی خوب هستند این بار در حرکتی جدید تصمیم داریم برای محصلینین خانه فضایی جذاب و بزرگتر فراهم نماییم. فضایی که فرصت رشد، یادگیری، پرورش اعتماد به نفس و مهارت فردی را بهبود و مسیرشان را به سوی استقلال و موفقیت، بهتر از قبل هموار سازد.. با ساخت و تجهیز این فضای جدید، علاوه بر فراهم آوردن محیطی شایسته‌تر برای رشد و آینده بهتر محصلین فعلی، ظرفیت بیشتری برای پذیرش کودکان، نوجوانان و جوانان دارای معلولیت، که در خانواده‌های کم‌برخوردار ومناطق محروم، زندگی می کنند. ساخت و تجهیزاین فضا، نیازمند تومان اعتبار است.

شد؛ تا هر روز، نیکیِ شما در این خانه جاری باشد و انرژیِ این نیکی، به زندگی خودتان بازگردد. یادتان باشد که کودکی را از رنجی بزرگ نجات داده اید.شما می‌توانید یک سهم از این آینده باشید. نام شما به پاس این همراهی، بر لوح ورودی ساختمان ماندگار خواهد.






فصلنامه فرهنگی آموزشی اجتماعی خبری

مؤسسه خیریه توانبخشی و نگهداری معلولین جسمی حرکتی شهید فیاض بخش (عبد ا... هنری) مشهد

حضرت رضا علیه السلام:

خداوند توانمندان را مکلف کرده است که امور بیماران از کار افتاده و بلا دیدگان را سامان دهند.

مسند الامام الرضا(ع)، جلد۲، ص۴۰

شورای سیاست گذاری : هیأت مدیره

مدیر مسئول: سید محمد مهدی حسینی

سردبیر : سیده حشمت نبوی

مدیر اجرایی : مهدی عیدیان

نام و یاد زنده یادان ایرج قدرت، جعفر تشکری،مهدی گلپایگانی، محمد بزن آبادی و محمد طاهر پیک

اعضای فقید تحریریه شوق حضور گرامی باد.

٤ سخن مدیر مسئول

۵ سخن‌سردبیر

۶ نامه‌ای ازسوزدل

۸ خدمت ادامه دارد

۱۰ درستایش عشق زیرآسمان جنگ

۱۱ سخنرانی انگیزشی

۱۲ آیین بزرگداشت هفته معلم

۱۳ گزارشی ازخانه و خانواده‌مان درچندماه گذشته

۱٤ در این خانه چه میگذرد ؟

۱۶ خبر

۲۰ افتخاری دیگر برای ورزش

۲۲ ادامه معرفی کلاس های فرهنگی

۲٤ تجهیزبخش فیزیوتراپی آسایشگاه

۲۶ جدول و سرگرمی

۲۸ روز پزشک

۲۹ دیداراهالی این خانه با اصحاب رسانه (خبرنگار)

۳۰ یک بازار هزار لبخند

۳۲ دونگاه در یک جهان

۳۳ من قهرمان جهان و فرزند آسایشگاهم

عکس : امید استادی

نمونه خوان : نگارچاوشان

صفحه آرا ، گرافیست : سایه نجاری

بسته بندی: به همت نیکوکاران گرانقدر خانواده محترم شیعه‌زاده و بستگان محترم

* از نیکوکاران‌گرانقدر و خوانندگان محترم پوزش می‌طلبیم که به خاطر هزینه‌های سنگین کاغذ و چاپ، دوماهنامه شوق حضور مجددا به فصلنامه تبدیل گردیده است.

* نیازمندکمک‌های ارزشمند شما برای استمرار انتشار نشریه شوق حضور هستیم.

تصویر فیش واریزی رابه **شماره ۰۹۰۱۸۰۴۵۸۴۸** در ایتا ارسال بفرمایید.

* تبلیغات شما در مسیرمعرفی برندتان به عنوان حامی معلولین و سهیم شدن در کار خیر می‌تواند گره‌گشای بخـــشی از مشکلات و هزینه‌های سنگین درمان و توانبخشی ۵۵۰ فرزند این خانه باشد. **هماهنگی ۰۵۱۳۶۶۶۶۰۰۰**

- دست نوشته‌ها و عکس‌های خود را با موضوع معلولیت، توانبخشی و خواندنی‌های جذاب به شماره **۰۹۱۵۵۲۵۵۶۱۶** در روبیکا ارسال بفرمایید.

- از اینکه مسئولیت آثارتان را به عهده می‌گیرید و ویرایش نهایی را به ما می‌سپارید، صمیمانه‌سپاسگزاریم.

جهت اطلاع خوانندگان محترم و نیکوکاران گرانقدر، به منظور رعایت اصول خبر نویسی و مطبوعاتی، از اینکه پیشوند خانم و آقا قبل از نام افراد درج نگردیده است، پیشاپیش پوزش می‌طلبیم.

شوق حضور

شماره ۱۰۲



# آسایشگاه از نگاهی نزدیکتر

بیش از ۶۰ سال پیش در دهه‌چهل خورشیدی زنده یاد دکتر محمد ارسطوپور، اندیشه‌های پیشرو و انسان‌دوستانه را بنیان نهاد؛ اندیشه‌های که معلولان را نه از موضع ترحم، بلکه شهروندانی صاحب کرامت، شأن و حق زندگی شایسته می‌دید. او باور داشت که زندگی، حتی در سخت‌ترین شرایط جسمانی، سزاوار حرمت، سامان و امید است. دکتر ارسطوپور با نگاهی ژرف به رنج نیازمندان آبرومند، شب و روز خویش را وقف بهداشت و بهبود وضعیت معلولانی کرد که در نوانخانه شهرداری، در هم‌نشینی ناخواسته با بیماران مبتلا به بیماری‌های مسری، روزگار می‌گذراندند. او در این مسیر، نه تنها خود پیشگام بود، بلکه نیک‌اندیشان بسیاری را نیز به این راه فراخواند؛ کسانی که هر یک صاحب اندیشه و نام بودند و در پرتو این تفکر انسانی، هم‌دل و همراه شدند. وی که ریاست بیمارستان شماره ۲ را بر عهده داشت و نخستین پزشک فارغ‌التحصیل رشته پزشکی از دانشگاه فردوسی بود، با بنیان‌گذاری نخستین و بزرگترین آسایشگاه معلولین کشور، «آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش مشهد»، تحولی بنیادین در مسیر زندگی معلولین به وجود آورد. نیک نامان بزرگواری که از ابتدای مسیر این حرکت نوع دوستانه را رقم زدند همچون مهندس علی شهرستانی، محمد طاهر بهادری، بهروز خدیوی و در ادامه قدس نهری، بلال لشکری و عبدالله هنری که در این راه خطیر زحمات فراوانی را رقم زدند و از آبرو و جان خود مایه گذاشتند و مسئولیت اجتماعی خود را به تمامی معنا هویت بخشیدند. در این حرکت بزرگ زنده یاد عبدالله هنری سهم به سزایی داشت . وی در دریافت مکانی برای معلولین عزیز، پرتلاش و خستگی ناپذیر همراه و همدل دکتر ارسطوپور بود. وی که از سوی دکتر ارسطوپور حکم مدیر آسایشگاه در محل اردوی کار را دریافت نموده بود به گواه بسیاری از معلولین عزیز و یاوران قدیمی، گاهی حتی شب را در کنار آنان می گذراند و در تقویت اعتماد به نفس آنان در جامعه و آموزش های اجتماعی حامی آنان بود. هم زمان مکان جدیدی که با تلاش و حمایت و به نام دکتر ارسطو پور دریافت شده بود با چند خوابگاه و یک بخش کوچک اداری به بهره برداری رسید و عبدالله هنری قبل از افتتاح آسایشگاه در هشتم اردیبهشت ۱۳۵۰ دار فانی را وداع گفت و آسایشگاه با نام عبدالله هنری به بهره برداری رسید.

**مددجویان:** بیش از ۵۳۰ نفر با معلولیت غالبا جسمی حرکتی وهزار و دویست مددجوی غیر مقیم با دریافت خدمات روزانه در ماه، سیصد و پنجاه نفرپرسنل با مجموعه های تابعه، پذیرش مددجویان با معرفی‌نامه از سوی اداره‌ی بهزیستی و هماهنگی گروه‌های جامعه‌ی هدف بهزیستی خراسان رضوی.

**درمانی:** حضور پزشکان مقیم مرکز و ویزیت مددجویان توسط پزشکان متخصص در رشته‌های اورولوژی، پوست، ارتوپدی، داخلی، اعصاب و عمل‌های جراحی در بیمارستان‌های داخل شهرو خارج از استان.

**واحدپرستاری:** استقرار درهر بخش با پرونده ی ویژه ی درمانی و پزشکی برای هر مددجو.

**توانبخشی:** کاردرمانی،گفتاردرمانی،فیزیوتراپی،مددکاری، روانشناسی، هیدروتراپی، مهدکودک، اتاق بازی، موتنه‌سوری و روانشناسی.

**تغذیه وبهداشت:** باحضورکارشناسان بهداشت محیط و تغذیه.

**ورزش ضامن سلامت معلولین:** ورزش صبحگاهی(همگانی)، فعالیت درشش رشته‌ی ورزشی، حضور درمسابقات کشوری و بین المللی و کسب مدال و مقام‌های ارزنده .

**امور فرهنگی:** آموزش قرآن، هنرهای نمایشی، هنرهای آوایی، بازی با رنگ،پتینه، عروسک سازی، خوشنویسی، نقاشی، کتابخوانی، دوره‌های فن‌بیان و میزگردهای فرهنگی، اوریگامی، قصه خوانی، شاهنامه خوانی، آموزش زبان انگلیسی، فعالیت چشمگیر ۲۲ تن از مددجویان کم‌توان در سوادآموزی.

**تحصیل و آموزش:** با دو بخش مجزای دانش آموزی دختران و پسران و تحصیل در مقاطع مختلف از پیش دبستانی تا دانشگاه، رسیدن به مدارج عالی کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکترا و اشتغال به خدمت در مشاغل مختلف دولتی و خصوصی.

تهیه مسکن: توجه به ساخت مسکن برای مددجویانی که ازدواج نموده و مستقل شده اند از سیاست های این مؤسسه می باشد. ساخت مسکن در شهرک آسایشگاه شهید فیاض بخش با ۵۰ واحد و یک باب مسجد و ۱۸ واحد آپارتمان مناسب سازی شده در منطقه حجاب و اندیشه.

رفاه و اوقات فراغت: تشرف به حرم مطهر رضوی، اردوهای تفریحی در باغات و مناطق ییلاقی و اماکن تاریخی، فرهنگی و سفرهای تفریحی و زیارتی به نقاط مختلف کشور با حمایت نیکوکاران عزیز.

کلینیک دندانپزشکی: با حضور ۱۲۰ دندانپزشک افتخاری و حمایت و پشتیبانی نیکوکاران، علاوه بر ۵۵۰ فرزند این‌خانه در خدمت درمان بیماری‌های دهان و دندان معلولین عزیز استان، استان‌های هم جوار وحتی معلولین‌کشورهای همسایه نیز می باشد و بیش از ۱۳ هزار پرونده دندانپزشکی در این کلینیک وجود دارد.

تحولات: توسعه فضای ساختمانی بخش‌های چهارگانه، ساخت و توسعه کارگاه‌های اشتغال، مجموعه ورزشی شادروان علی حمیدی، پارک به مساحت تقریبی دو هکتار، سردخانه زیر صفر و بالای صفر، رختشویخانه، آشپزخانه، حمام بهداشتی بخش اطفال و مردان و زنان، کارگاه صنایع سلولزی، کشتارگاه بهداشتی، آرایشگاه بخش مردان، سالن غذاخوری کارکنان و مددجویان، کتابخانه، کلینیک تخصصی دندانپزشکی، مجموعه آب درمانی و استخر سرپوشیده ویژه معلولان و شروع فاز اول طرح جامع با چشم‌انداز خدمات دهی شبانه روزی برای ۱۵۰۰ مددجو و همچنین خدمات دهی روزانه به عموم معلولین .

مرکز مثبت زندگی فیاض بخش: مراکز مثبت زندگی، مراکز جامع خدمات بهزیستی کشور هستند که بر پایه خدمات الکترونیک بنا نهاده شده اند. چیزی شبیه به دفاتر پیشخوان دولت که قرار است خدمات بهزیستی را، ساده تر و سریع تر و حتی در آینده، بدون مراجعه مددجویان یا خانواده هایشان به آنها ارائه دهند. ۲۲ خدمت در این مراکز ارائه می شود که از ثبت درخواست مددجو و مصاحبه اولیه با وی، بازدید منزل و ارجاع درخواست وی به مراجع ذیربط بالاتر را در بر میگیرد.

درخواست هایی چون دریافت تسهیلات خود اشتغالی، تسهیلات ودیعه و تعمیرات مسکن، کمک هزینه تحصیلی، کمک هزینه های درمانی و... در این مراکز بررسی و ثبت می شوند. مراکز مثبت زندگی نگرش اجتماع محور دارند و با کار تخصصی مددکاری اجتماعی رفع مسئله می کنند.

**بزرگترین مؤسسه توانبخشی و نگهداری معلولین جسمی حرکتی کشور با خدمات کامل سرپرستی، درمان، توانبخشی، آموزشی، ورزشی، رفاهی و فرهنگی برای ۵۵۰ مددجوی ساکن مؤسسه از شیرخوار تا سالمند در چهار بخش اطفال، زنان، مردان و محصلین (دختر و پسر) خدمات دهی روزانه به ۱۴۰۰ مددجوی خارج از مؤسسه در ماه.**

**مخارج موسسه در ماه حدود ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (۳۰ میلیارد تومان) می‌باشد که هزینه‌های آن توسط مردم نیکوکار تامین می‌گردد.**



# سخن مدیر مسئول

سید محمد مهدی حسینی

در فرهنگ دینی ما، برخی میدان‌های خدمت، رنگ و بویی فراتر از یک مسئولیت معمول دارند؛ میدان‌هایی که انسان آن بیش از آنکه خدمت‌کننده باشد، خود بهره‌مند از موهبتی الهی است. همراهی با بندگان خدا که روزگار آزمون‌های دشوارتری را پیش روی آنان نهاده است، فرصتی برای تجلی رحمت، همدلی و انسانیت به شمار می‌رود؛ فرصتی که ارزش و برکت آن، تنها در معیارهای مادی و دنیوی قابل سنجش نیست. آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش مشهد نیز سال‌هاست بر پایه چنین نگاهی استوار مانده است؛ نگاهی که خدمت به توانخواهان را نه از سر ترحم، بلکه از سر احترام به منزلت انسانی آنان می‌داند و باور دارد که در مسیر خدمت صادقانه، هم خدمت‌گیرنده و هم خدمت‌گزار رشد می‌کنند. آغاز هر مسئولیت، فرصتی برای بازنگری، هم‌اندیشی و ترسیم افقی روشن‌تر برای آینده است. باور دارم که موفقیت این مؤسسه، بیش از هر چیز در گرو همدلی، تعامل و همراهی همه خانواده بزرگ آسایشگاه است؛ از کارکنان و مددیاران پرتلاش گرفته تا خیرین، همراهان و مهم‌تر از همه، توانخواهان عزیزی که محور همه برنامه‌ها و تصمیم های ما هستند.

آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری باید مورد توجه قرار گیرد، کرامت، آرامش، استقلال و رشد توانخواهان است. نگاه ما به آنان، صرفاً نگاه دریافت‌کننده خدمت نیست؛ بلکه آنان سرمایه‌های ارزشمند این مجموعه‌اند و تجربه، اندیشه و توانایی‌هایشان می‌تواند در مسیر پیشرفت مؤسسه نقشی مؤثر ایفا کند. بر همین اساس، تشکیل شورای راهبردی توانخواهان را گامی مهم در جهت مشارکت واقعی آنان در تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی و حتی اداره بخشی از امور مؤسسه می‌دانم. هر اندازه از ظرفیت فکری و اجتماعی توانخواهان بیشتر بهره بگیریم، به همان میزان به رسالت واقعی خود نزدیک‌تر خواهیم شد. در کنار این رویکرد، سرمایه انسانی مؤسسه نیز برای ما جایگاهی ویژه دارد. آرامش، انگیزه و رضایت همکاران، به‌ویژه مددیاران عزیزی که در خط مقدم خدمت‌رسانی به توانخواهان قرار دارند، از مهم‌ترین اولویت‌های مدیریت خواهد بود؛ زیرا کیفیت خدمت، از دل آرامش و انگیزه خدمتگزاران برمی‌خیزد. همچنین بر این باورم که برنامه‌ریزی صحیح، بدون شناخت دقیق وضع موجود امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، بررسی عملکرد بخش‌های مختلف، شناسایی ظرفیت‌ها، تقویت نقاط قوت و رفع چالش‌ها، مبنای تصمیم‌گیری‌های آینده خواهد بود تا با نگاهی واقع‌بینانه، مسیر توسعه و ارتقای خدمات را هموار کنیم. در پایان، وظیفه خود می‌دانم از خدمات ارزشمند و صادقانه جناب آقای کامیار مدیرعامل پیشین و همه عزیزانی که طی سال‌های گذشته در اعتلای این مؤسسه کوشیده‌اند، صمیمانه قدردانی کنم. یقین دارم با اتکاء به خداوند متعال، با همفکری و همدلی همه اعضای خانواده بزرگ آسایشگاه، می‌توانیم آینده‌ای رقم بزنیم که در آن، کرامت، امید، مشارکت و توانمندسازی، بیش از پیش در زندگی توانخواهان عزیز تجلی یابد.




یادداشت سردبیر

سیده حشمت نبوی

**بزرگی به دانش بود نه به سال**
**نه گوهر بود مایهٔ فخر و یال**

به نام خداوند جان و خرد

هر نشریه‌ای، پیش از آنکه مجموعه‌ای از خبرها و گزارش‌ها باشد، روایتگر اندیشه‌ای است که در پسِ واژه‌هایش جریان دارد. اگر این صفحات بتوانند پنجره‌ای به سوی شناخت بیشتر انسان، فرهنگ و زیبایی‌های نهفته در وجود او بگشایند، رسالت خود را یافته‌اند. ما فرزندان سرزمینی هستیم که قرآن کریم اولین وبرترین مرجع ایرانیان، کرامت را نخستین هدیه الهی به انسان می‌داند. شاهنامه تنها کتاب حماسه نیست؛ کتاب شناخت انسان است؛ در نخستین بیت خود، از «جان» و «خرد» سخن می‌گوید ریشه‌های فرهنگش با خرد، مهر و جوانمردی درآمیخته است. سرزمینی که در آن، شاهنامه تنها کتاب حماسه نیست؛ کتاب شناخت انسان است؛ گویی این دو، هر یک با زبان خویش، یادآور یک حقیقت‌اند؛ آنکه، ارزش آدمی را نه در ظاهر، که در گوهر وجود او باید جست. در شاهنامه، زال با سپیدی موی خویش از دیگران متمایز است و همین تفاوت، او را در آغاز زندگی با رنج و تنهایی روبه‌رو می‌کند؛ اما فردوسی، قهرمان خویش را نه با نیروی بازوان، بلکه با خرد، بردباری و تدبیرَ به قله بزرگی می‌رساند. این روایت، تنها قصه زال نیست؛ حکایت همه انسان‌هایی است که روزی، تفاوتشان بیش از توانایی‌هایشان دیده شده است. برهمین اساس سیاست های هیات مدیره این است که ؛آسایشگاه، برای ما تنها مکانی برای ارائه خدمات نیست؛ خانه‌ای است که در آن، هر انسان فرصتی دوباره برای شکوفا شدن می‌یابد. باور داریم که فرهنگ، هنر، ادبیات و اندیشه تنها زینت زندگی نیستند؛ بخشی از خودِ زندگی اند گاه یک بیت شعر دریچه‌ای به امید می‌گشاید؛ گاه ورق زدن شاهنامه، آدمی را به خویشتن نزدیکتر می‌کند و گاه قلمی که به دست گرفته می‌شود، بیش از هر ابزار دیگری توانایی‌های پنهان انسان را آشکار می‌سازد. از همین رو، این نشریه درصدد است بیش از آنکه از فرزندان این خانه بنویسد، با قلم آنان نوشته شود. باور ما این است که هر تجربه زیسته، هر اندیشه، هر جستار، هر گزارش و هر نگاه تازه، می‌تواند صفحه‌ای از این نشریه را غنی‌تر کند. چه زیباست روزی که خبرهای این خانه را خود ساکنانش روایت کنند؛ مقاله بنویسند، گفت‌وگو بگیرند، از دغدغه‌ها و آرزوهایشان بگویند و با قلم خویش، تصویری روشن‌تر از زندگی پیش روی خوانندگان بگشایند. شاید در آینده نه چندان دور، بخش مهمی از تپش این نشریه، در دستان توانمند همین نویسندگان و خبرنگاران باشد؛ کسانی که سرمایه اصلی‌شان نه امکانات، که اندیشه، تلاش، خودباوری و عشق به آموختن است.ما به «باور» ایمان داریم؛ باوری که محدودیت را پایان راه نمی‌بیند، بلکه آغاز کشف راه‌های تازه می‌داند. باور به اینکه استعداد، مرزی نمی‌شناسد و انسان، هر جا که فرصت شکوفا شدن بیابد، می‌تواند روشنی بیافریند. راه‌ها، شاید متفاوت باشند؛ یکی با گام‌های استوار، دیگری با عصا و دیگری بر چرخ‌های ویلچر؛ اما آنچه مسیر را روشن می‌کند، امید، اراده و دلی است که از حرکت بازنمی‌ایستد.

این یادداشت؛ نیز از همین باور آغاز می‌شود؛ باور به انسان، به فرهنگ، به گفت‌وگو و به ظرفیتی که در تک‌تک فرزندان این خانه نهفته است. آرزو داریم این نشریه، نه فقط آیینه فعالیت‌های مؤسسه، که خانه‌ای برای اندیشه های نو، ادب، هنر روایت های صادقانه باشد؛ جایی که هر صفحه آن، فرصتی باشد برای دیده شدن توانایی‌ها، شنیده شدن صداها و استوارتر شدن پیوند دل‌هایی که سال‌هاست قصه زندگی‌شان با مهر، نیکوکاری و احترام به کرامت انسان گره خورده است .

و چه نیک سروده است حکیم توس

هر آن کس که دارد هُش و رای و دین
پس از مرگ بر او آفرین






**باسمه تعالی**

همکار بسیار عزیزم جناب آقای دکتر مرندی سرپرست انجمن ملی حمایت کودکان

در این موقع که مقررات مملکتی اجازه نمی‌دهد که به خدمتگزاری اطفال عقب افتاده ذهنی به طور رسمی و باسمت ادامه دهم، امیدوارم در آینده بتوانم به نحوه دیگری خدمتگزار آنان باشم و با توصیف و تعریفی که از خدمات انسانی شما سراغ دارم و با عشق و علاقه باطنی که به میهن عزیز دارید و در حکومت جمهوری اسلامی حاضر به خدمت در انجمن ملی حمایت کودکان گردیده اید و از طرفی تصور نمیکنم با موقعیت تحصیلی که در خارج داشته اید و عدم تماس نزدیک شما با طبقات فوق العاده مستضعف و فقیر آنطوریکه باید و شاید به عمق بدبختی، تیره‌روزی این طبقه چون این خدمتگزار که ۳۲ سال در خدمت آنان بوده و هستم آگاه باشید. قبلا از اینکه چنین مکاتبه ای با همکار عزیزی که او را ندیده و نمی‌شناسم می نمایم به بزرگواری خودتان مرا خواهید بخشید. اما آنچه موجب شد این نامه را در روزهای آخر خدمت خود در انجمن حمایت کودکان مشهد تقدیم کنم؛ در حکومت جمهوری اسلامی به نام یک پزشک متعهد مسلمان خدمتگزار مستضعفین و به پیروی از احکام دین مبین اسلام در امر به معروف که وظیفه هر مسلمانی است و علم الاخلاق پزشکی به آن همکار ارجمند خود، برادرانه آنچه احساس و درک می‌کنم می گویم. امید است که توصیه و استدعای برادر پزشک خود را به عنوان خداحافظی و تشکر در پایان خدمت خود در انجمن مشهد مورد توجه قرار دهید. همکار محترم سه مورد در زندگیم دگرگونی عجیبی به جود آورد که از آن موقع بجز در راه خدمت به مستمندان قدمی دیگر برنداشته و با این طبقه سالها مانوس و زندگی کرده‌ام و افتخارم این است که از لحاظ انسانی و مکتبی و مالی از حدود آنها تجاوز ننموده و با کشتن نفس اماره خود از صف مستضعفین خارج نشده ام. قضیه بدین قرار است:

**مورد اول** : در سال ۱۳۳۵ بود که مامور خدمت در بیمارستان واگیر مشهد شدم و بهداشت نوانخانه شهرداری با پنج هزار بینوا به عهده من واگذار شد. ضمن بازدید از دخمه یا بیغوله این افراد در آنجا به دو سه بیمار فلج(پاراپلژی) برخورد کردم که روی زمین که کف آن گچ مالی بود روی تکه زیلو پاره ای خوابیده، یک ظرف حلبی هر صبح چای در آن می خوردند. نهار در همان ظرف غذا می خوردند و برای اجابت مزاج بعنوان لگن استفاده می کردند دیدن چنین منظره دلخراش برای یک پزشک جوان که از زندگی یک حیوان بدتر بود، مرا چنان متاثر و ناراحت کرد که شتابان به استانداری رفتم و استاندار را به محل بردم. کارهای زیادی شد تا در مدت یکی دو، سال توانستم آسایشگاه معلولین با دویست تخت خواب درست کنم که در حال حاضر ۴۰ بیمار معلول در ساختمانی بزرگ نگهداری می شوند. مشقات و سختی ها که درمورد تاسیس این آسایشگاه متحمل شدم زیاد است وقت شما را نمی‌گیرم

**مورد دوم**: سال ۴۱ در اواسط دیماه که هوا فوق العاده سرد و یخبندان بود از خیابانی در جنوب شهر عبور می کردم عده ای که دور هم جمع شده بودند توجه مرا جلب کرد جلو رفتم. طفلی حدود ۹ ساله را آنجا دیدم کتابها زیر بغل کفش پاره و پیراهن پاره به تن دارد سرما او را مچاله کرده بود. صورت و لبها کبود قدرت تکلم ندارد و گوشه ای پیاده رو افتاده، فوری او را به بخش سوانح رسانیدم سفارش کردم ولی متاسفانه این جگرگوشه مستمند و بینوا در اثر سرما ۲۴ ساعت بعد فوت نمود.

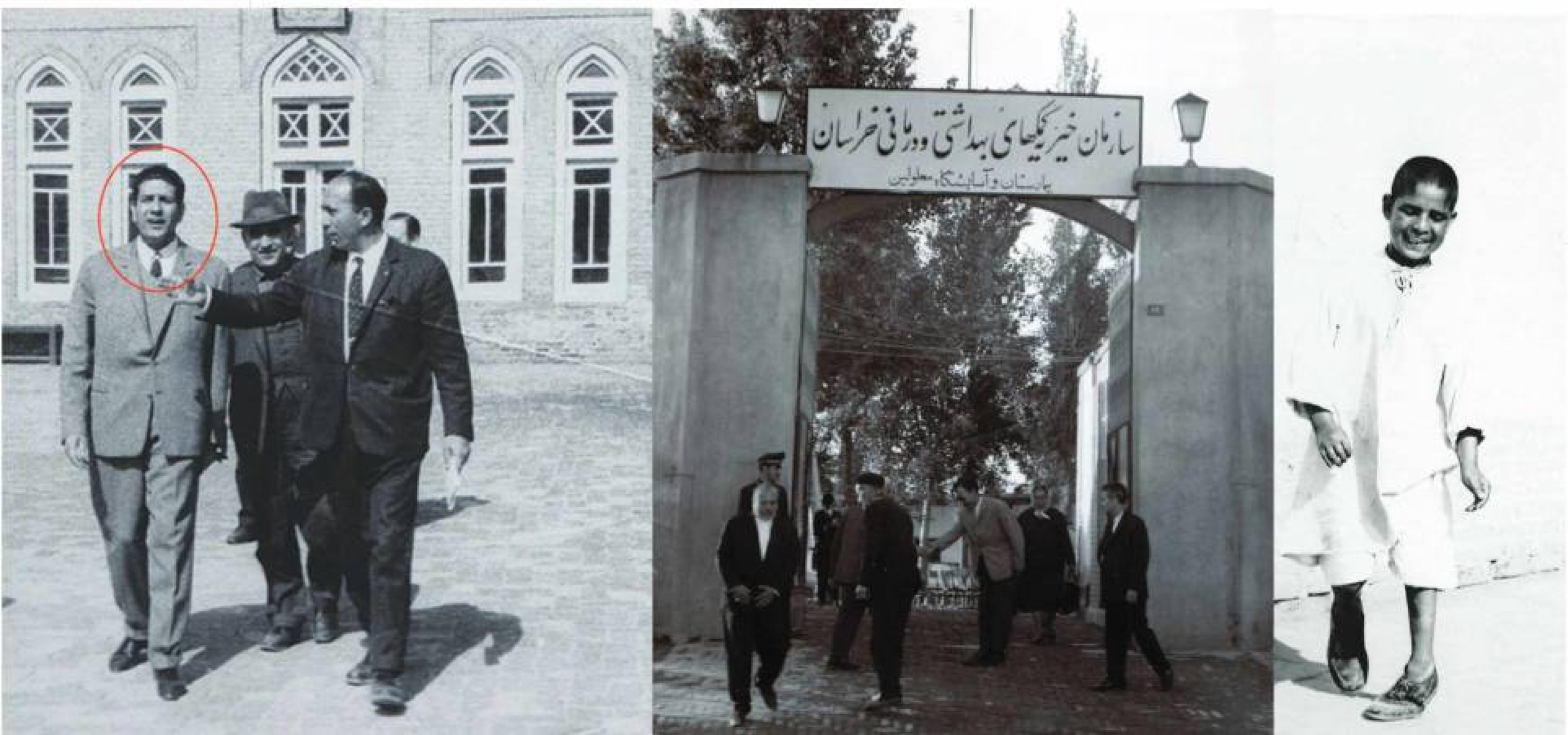
**مـورد سـوم**: روزی کـه برحسـب معمـول سـاعت ۵ بعدازظهـر بـه مطب‌رفتـم اوایـل فصـل زمسـتان بـود و بـرف مـی باریـد پاکتـی دربسـته روی میـز کارم دیـدم از مسـتخدم سـوال کـردم اظهـار داشـت یـک عملـه بـا بیـل کارگـری بـه مطـب آمـد. ایـن پاکـت را داد کـه بـه شـما بدهـم. پرسـیدم: تقاضـای کار داشـت؟گفت: نـه هیـچ اظهـاری ننمـود و رفـت. ابتـدا بـا توجـه بـه اینکه قطعـا تقاضـای کار دارد پاکـت را بـاز نکـردم. سـاعات آخـر مطـب کـه پاکـت را بـاز کـردم بـا کمـال تعجـب یـک نامـه کوچـک دو خطـه و ۳۰ریـال وجـه ضمیمـه بـود ایـن انسـان باشـرف، ایـن کارگـر مسـلمان، ایـن فـرد بی‌نظیـر نـوع دوسـت، می‌دانیـد چـه نوشـته بـود غوغایـی وجدانـی در درون مـن پیـدا شـد. ایـن مـرد نوشـته بـود آقـای دکتـر ارسـطوپور چـون میدانم شـما جمعیتی هسـتید کـه بـرای اطفـال مسـتمند لبـاس گـرم تهیـه می‌کنیـد مـن کـه یـک کارگـرم و مزد بـرف انـدازی امـروز مـن فقـط ۵۰ریال بـوده کـه ۳۰ ریـال آن را تقدیـم کـردم تـا مـن هـم سـهمی در تهیـه لباس مسـتمندان داشـته باشـم (البتـه ای موضـوع سـال ۴۲ بود کـه ۳۰ ریـال ارزش بیشـتری داشـت) جنـاب آقـای دکتـر، همـکار عزیـزم شـما جوان هسـتید و عاشـق خدمـت بایـد بدانیـد در این مملکـت در طبقـه پاییـن تـا چـه حـد مردانگـی و شـرافت و انسـانیت وجـود دارد. هرچـه پیگیـری کـردم ایـن مـرد را نیافتـم. گویـا گفتـه بـود روزهـای جمعـه در دعـای ندبـه شـرکت می‌کنـد. هرکجـا کـه دعـای ندبـه بـود، رفتـم و جسـتجو کـردم. نتوانسـتم او را بیابـم. هنـوز هـم در پـی هسـتم کـه بـه پایـش بیفتـم و پـای ایـن باشـرف را ببوسـم.ملاحظه می‌فرماییـد کـه سـه مـورد فـوق تـا چـه حـد توانسـت مـرا دگرگـون سـازد و از آن موقـع بـه جـز خدمـت در راه مسـتضعفین قدمـی برنداشـتم و تـا زنـده باشـم در ایـن راه کوشـا بـوده و هسـتم. همـکار محتـرم، سـعی کنیـد همیشـه و همـه وقـت دور از جمع هموطنان مسـتمند نباشـید. خـود را در راه آنهـا، همـگام آنهـا، در محفـل و مجلـس آنهـا ،بیابیـد بخـدا قسـم لذتـی کـه انسـان از خدمـت و نجـات یـک خواهـر و بـرادر مسـتمند می‌بـرد از میلیـون هـا ثـروت بـا ارزشـتر اسـت. خداونـد هـم او را همیشـه موفـق و موید مـی‌دارد. همچنـان کـه مـن بـا وجودیکـه از لحـاظ مالـی شـاید پاییـن تـر فـرد پزشـک شـهر خـودم باشـم. ولـی از لحـاظ افتخـار بـه انسـانیت و نوع دوسـتی و علاقـه ای کـه مـردم بـه مـن دارنـد و احترامـی کـه قائلنـد در صـدر قـرار دارم.اطفـال مـن همـه خـوش وقـت و در مقـام بسـیارعالی خدمتگـزاری مملکـت هسـتند. قـدم در راه خیـر و نـوع دوسـتی اضافـه بـر شـادی و مسـرت، و خیـر و برکتـی کـه بـر زندگـی مـی دهـد. پـول و ثـروت هماننـد سـنگ ریـزه بیابـان در نظـر انسـان جلـوه گـر مـی شـود و لـذت میبـرد و احسـاس میکنـد کـه جـاه و مقامـی در مرتبـه انسـانی دارد و خـود یـک بخشـنده تمـام معنـی می‌شـود. لـذت زندگـی را در راحتـی دیگـران می‌بیند و خلاصه به جایی می رسد که شعر معروف شاعر مصداق پیدا می کند که می گوید:

**رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند**

واقعـا چـه منزلـت و مقـام بـارزش اسـت کـه پزشـکان بهتـر مـی تواننـد بدیـن جایـگاه راه یابنـد. امیـدوارم خداونـد همـکاران عزیـز را هدایـت فرمایـد کـه طبابـت را تجـارت ندانند و در راه خیـر و صلاح هموطنـان محتـاج خـود قـدم بردارنـد. بـه حیثیـت و شـرافت خـود و مقـام شـامخ پزشـکی احتـرام بگذارنـد و ایـن خدمـت مقـدس را دسـت خوش ثـروت و مکنـت و مـال و تجمـل پرسـتی قـرار ندهند.قـدرت و علـم خـود را در راه خـدا و انسـانهای نیازمنـد بـه کار برند.بـه امیـد چنیـن روز و دوران درخشان انسانیت برای همه همکاران، شما را به خدا میسپارم.

همکار کوچک شما خدمتگزار مردم دکتر محمد ارسطوپور

مدیر عامل انجمن حمایت کودکان مشهد



# خدمت ادامه دارد ...

• نگار چاوشان

بعضی روزها در تاریخ یک خانه، فقط یک عددِ ساده روی تقویم نیستند؛ آینه‌ای زلال از سال‌ها عشق، دویدن، صبوری و شب‌زنده‌داری هستند. دوشنبه، هجدهم خردادماه ۱۴۰۵، حال و هوای آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش مشهد، بوی روزهای همیشگی را نداشت. هوا اگرچه پر از عطر فرخنده عید غدیر و شمیم ولایت بود، اما دل‌ها کمی سنگین می‌تپید؛ سنگین از یک خداحافظی با شکوه و در عین حال لبریز از یک دنیا قدرشناسی و اصالت. آن روز، دیوارهای آسایشگاه رنگ و بوی دیگری به خود گرفته بود؛ رنگ و بوی تکریمِ مردی که ۱۶ سال لحظه لحظه عمرش را، پای لبخند و اشک توان‌خواهان این مرکز ریخت.

این محفل با شکوه و صمیمی که با حضور گرم جمعی از نیکوکاران بزرگوار، مدیرکل و معاونین بهزیستی خراسان رضوی، مدیر بهزیستی مشهد، نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد، اعضای هیئت امنا، توان‌خواهان عزیز و پرسنل زحمت‌کش مجموعه برگزار شد، بیش از آنکه یک تودیع اداری باشد، شبیه به یک دورهمی خانوادگی پر از احساس بود. حضار با مروری بر کارنامه‌ی ۱۶ ساله مدیریت صادقانه، شایسته و خستگی‌ناپذیر جناب آقای «یوسف کامیار» در روزهای سخت و بحرانی جامعه، گواهی می‌دادند که خدمت در این خانه، بیش از آنکه یک شغل یا ابلاغ رسمی باشد، توفیقی الهی، گامی دلی و مسیری خوش‌فرجام است که نام خدمتگزارانش را نه بر اوراق اداری، که بر تارک این مؤسسه و بر قلب تک‌تک توان‌خواهان عزیز حک می‌کند.

اما بی‌شک، زیباترین، تکان‌دهنده‌ترین و ماندگارترین تابلوی این مراسم؛ جایی بود که فرزندان نسبی آقای کامیار نشسته بودند. همان پسرانی که امروز هرکدام با تکیه بر علم و تعهد، صندلی‌های بزرگ تخصصی جامعه را پر کرده‌اند؛ پزشکان و مهندسانی برجسته که بزرگ شده سفره حلال و دست‌های خستگی‌ناپذیر همین پدر مهربان هستند. در اواسط برنامه، وقتی نماهنگ خدمات ۱۶ ساله‌ی پدر پخش شد و تصویر دویدن‌های او در شهر برای باز کردن گره از کار بچه‌های معلول به نمایش درآمد، ناگهان بغض فرزندان شکست. دیدن شانه‌های لرزان فرزندان قشنگ‌ترین و محکم‌ترین گواهی مراسم بود آن‌ها پابه‌پای حضار و کارکنان به وجد آمده بودند؛ اشک‌هایی که آمیزه‌ای از دلتنگی، شوق و البته یک غرور بی‌پایان بود. غرور برای داشتن پدری که عمرش را وقفِ زیباترین معامله با خدا کرده بود. این صحنه‌های بی‌بدیل، قاب ماندگاری از پیوند عمیق عشقِ خانوادگی و مسئولیت‌شناسی اجتماعی را در برابر دیدگان همگان به تصویر کشید.

در بخش دیگری از این آیینِ سرشار از عاطفه و تکریم، نوبت به گشودن فصلی تازه در کتاب خدمت آسایشگاه رسید. با حکم رسمی هیات مدیره مؤسسه، مشعل فروزان مدیریت این بارگاه مهربانی به دستان پرتوان و امین جناب آقای «سید محمد مهدی حسینی» سپرده شد؛ مردی اصیل، فروتن که خالصانه سالها منشأ اثر و گره گشای مشکلات در سمت‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه معلولین عزیز، بوده است.





**۱۶ سال خدمتگزاری**

**مراسم قدردانی از زحمات مدیریت شایسته جناب آقای یوسف کامیار**

**مدیرعامل محترم آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش (عبدالله هنری) مشهد**

**اردیبهشت ۱۴۰۵**

ارتقای خدمات خاص و تخصصی کلینیک دندان‌پزشکی ویژه معلولین شهید فیاض‌بخش که هم‌اکنون همچون ستاره‌ای درخشان در کارنامه فعالیت‌های این مرکز ملی می‌درخشد، تنها گوشه‌ای از درایت، تخصص و عشق به خدمت در وجود ایشان است. حضور آقای سید محمدمهدی حسینی نویدبخش این است که این مشعل مقدس، از دستی مهربان به دست مهربان دیگری سپرده شده تا مسیر توانمندسازی توان‌خواهان را تا سرمنزل مقصود روشن و روشن‌تر نگه دارد.

مراسم به پایان رسید، عکس‌های یادگاری ثبت شدند و لوح‌های سپاس اهدا گشتند؛ اما عطر جاری در فضا باقی ماند. آقای کامیار عزیز، پهلوانِ روزهای سخت فیاض‌بخش، خداقوت و خسته نباشید. دعای خیر این بچه‌ها و اشک افتخار فرزندانتان، تا همیشه توشه آخرت و عاقبتِ خوشِ زندگی شما خواهد بود؛ و قدم جناب آقای حسینی به این وادی نور، پربرکت و استوار باد.















# در ستایش عشق زیر آسمان جنگ

• راضیه بهنام

در روزهایی که؛ تلخی و تاریکی ناشی از جنگ خودش را به زندگی مردم تحمیل می‌کند و گویی همه چیز را به حالت تعلیق در می آورد و نه تنها خشت و سنگ و آجر و آهن برسر مردم آوار می کند که فشار و درد و غم و رنج و محنت بر دلها هم، شهر شبیه انسانی می شود که مدتها گریه کرده و دیگر اشکش در نمی آید. جنگ نسبت انسان را با جهان به هم می ریزد. همچنان که گذر زمان را سنگین و کشدار می کند. صدای ترک خوردن قلبها را می بلعد و انسان ها را همچون جزیره‌های جدا افتاده از هم در اقیانوسِ ترس و ناامنی محصور می‌کند. جنگ به جان واژه ها هم می‌افتد. کلمه را قربانی اندوه می‌کند و نگاه ها را بیگانه. لبخندها را زودتر از همه نشانه می‌گیرد و حتی برای فردایی نامعلوم نقشَه می‌کشد. اما زورش تنها به یک چیز نمی رسد (عشق)... جنگ ویران می کند. عشق پناهگاه می سازد. جنگ سرد و خشن و نامرد است. عشق گرم و ایمِن و باوفا. جنگ بی‌رحم است.. برای همه بی‌رحم است اما برای کسانی که پیش از جنگ هم هر روز با محدودیت هایی خاص جنگیده‌اند. بی رحم تر! روزگار جنگ زده چنان با شتاب و پر وحشت از روی همه چیز عبور می‌کند که به راحتی می‌تواند افراد دارای معلولیت را با قساوت و سنگدلی پشت سر بگذارد و حتی فراموش کند . اما فراموشی در ذات  عشق جایی ندارد. عشق در روزهای جنگ شاید باشکوه و فروزان نباشد، شاید بیشتر شبیه شعله‌ای کوچک باشد که کسی با دو دست از آن در برابر باد محافظت می‌کند. اگر دلشکستگی، دختریتیم کوچکی باشد با زخم هایی بربدن در اضطراب شبهای جنگ، عشق آن نور روشنی است‌که از قلب مادر قانونی‌اش می تابد. هنگامی که در خانه جدید موهای نرم دختر را شانه می‌کند به حکم آنکه هنوز لطافت در جهان، حرف اول را می زند... اگر تنهایی به شکل مردی ضایع نخاعی بر روی تخت آسایشگاهی باشد، عشق آن نور متبلوری است در دل یک دوست که هر روز با شاخه‌ای گل به دیدار دوست می رود، یا شاید عشق، فروتنی معصومانه پسری نوجوان باشد، وقتی هر روز بند کفش‌های پدر جانبازش را می بندد، گویی پای گلدانی آب می ریزد آرام و بی ادعا.

**کسی چه می داند عشق شاید حوصله عمیق مرد مسلمانی باشد وقتی صورت مرد معلول را بی‌توجه به گذر موشک‌ها در آسمان بالا سر، اصلاح می کند، انگار صورت تازه دامادی را...**

عشق بی گمان حضور زنی سالخورده است در کنار دختر نوجوان ناشنوا در شبهای بی قرار جنگ در پناهگاهی، وقتی زن تلاش می‌کند با زبان اشاره قصه‌ها بگوید برای خواب آرام دختر و چه کسی می‌گوید عشق معامله نمی‌کند وقتی رفتگر مهربان حیاط آسایشگاه هر روز صبح تصاویری از برگ‌های تازه شکفته درخت اقاقیا، از غنچه باز شده دیروزی، از لم دادن بچه گربه ملوس در سایه، از خزیدن آرام آفتاب روی زمین به مرد نابینا می فروشد و لبخندش را می خرد. عشق فقط بخشیدن آرامش به دیگری نیست، نوعی دگرگون شدن پنهانی خویشتن است. روح آدمی هنگام محبت کردن همانند خانه ای بزرگ است که پنجره‌های آن باز می شود و نور فقط وارد نمی شود، از درون نیز به بیرون می تابد. شاید عشق به خاتمه جنگ منجر نشود، شاید اصل جهان را عوض نکند. **اما می تواند درست در تاریک ترین ، تلخ ترین نا امن ترین روزهای زندگی، جهانی تازه خلق کند، جهانی بهشت گونه وسط آتشگاه دنیا، مثل گلستان ابراهیم در دل آتش نمرود...** عشق اگر گاهی شعله اش بلند نیست اما فروغش همیشه نجات بخش است. می‌تواند مثل یک گلدان شمعدانی پشت پنجره وسط شهر ویران شده بدرخشد.





**سخنرانی انگیزشی فرزند توانمند موسسه خیریه**
**فیاض بخش در جمع نیکوکاران گرانقدر**
**مسئولین و فرزندان این خانه به مناسبت**
**گرامیداشت روز جهانی معلولین ۱۲ آذر ۱۴۰۴**

در ۲۳ خرداد سال ۱۳۶۴، کودکی در روستای خیرآباد محولات دیده به جهان گشود. روستای خیرآباد منطقه کویری وآب و هوای گرم داشت. پدر خانواده کشاورز، مادر خانواده خانه‌دار و البته همراه پدر در کشاورزی هم کمک می‌نمود. سه پسر دیگرو سه دختر، پدر و مادر را به تلاش بیشتر برای امرار معاش وا می‌داشتند. هوای گرم تابستان، سرمای خشک زمستان کویر می‌گذشت و بچه‌ها هر روز قدمی کشیدند و بازیهای کودکانه وجست‌وخیز در کوچه و کوی و برزن آنان راسرگرم می‌کرد تا اینکه در سن ۴ سالگی یک تزریق اشتباه، قصه زندگی این طفل را تغییر داد. جست‌وخیزهای کودکانه‌تبدیل به‌چهاردست‌وپا راه رفتن تا رسیدن خود به دیگر کودکان گردید. در همسایگی این خانواده، خانواده‌هایی بودند که سه چهار کودک همسن و سال این کودک داشتند و با شروع سن ۷ سالگی به مدرسه رفتند. البته مادر این خانواده کودک خود را رها نکرد و با تهیه دفتر و قلم و مدادپاک کن و مدادتراش از مدیر مدرسه خواهش کرد که این کودک هم بتواند در کنار بقیه بچه‌ها درس بخواند. در ابتدا با وسیله‌هایی که در روستا بود مثل فرغون و دیگر دوچرخه‌های بچه‌ها به کمک مادر و دیگر دوستان به مدرسه می‌رفت. روزها می‌گذشت و شور و حال بچه‌گانه وحال وهوای روستا روزهای زندگی کودک قصه ما را رقم می‌زد. کم کم سن نوجوانی فرا رسید، درست زمانی که هر کسی متوجه تغییرات هویتی خود می‌شود و شخصیت او شکل می‌گیرد. در این سن و سال رنج تفاوت جسمانی و وجود محدودیت‌ها او را اذیت می‌کرد و کم کم همراهی خود با دیگر دوستان را کم کرد. یکی از معضلات بزرگ این بود که امتحانات دوره دبیرستان در روستا برگزار نمی‌شد و می‌بایست برای دادن امتحان سوار مینوبوس می‌شد و به حوزه امتحانی می‌رفت. به هر حال با تمام سختی درس را تا سوم دبیرستان ادامه داد. حال خوب و درون زیبایش مانع دیدن معلولیتش می‌شد. او به آینده فکر می‌کرد درست مثل خیلی از دوستانش یا حتی بیشتر به ادامه تحصیل، به یک شغل خوب و در نهایت به ازدواج و استقلال...

ما حدود ۲ سال در خانه ماند و به مرور، حالش تغییر کرد و گاهی افسردگی به سراغش می‌آمد تا اینکه یکی از اقوام وی که در آسایشگاه فیاض‌بخش مشهد کار می‌کرد، به خانواده پیشنهاد داد که این آسایشگاه محل خوبی برای رشد فرزند شما می‌تواند باشد. اما داخل پرانتز بگویم که پدر این کودک با اینکه اهل روستا بود و به قول خیلی از قدیمی‌ها نان‌خور هم، زیاد داشت، به راحتی راضی نشد که فرزند خود را به آسایشگاه بسپارد چون فکر می‌کرد این کار کسر شأن است یا دیگران فکر می‌کنند آنان به فرزندشان علاقه‌ای ندارند و می‌خواهند او را از سر خود باز کنند. اما با اصرار و پافشاری این فامیل عزیز، بالاخره جوان قصه ما راهی آسایشگاه فیاض‌بخش شد و به شرط ادامه تحصیل در بخش دانش آموزی آسایشگاه، فصل دیگری از زندگی برای او آغاز شد.به زودی دیپلم گرفت و باز با همت مثال زدنی به زودی به دانشگاه راه یافت. حالا پدر و مادر با دیدن رشد و پیشرفت تدریجی جوانشان حالشان بهتر شده بود و رنج و دوری وی کمتر اذیت شان می‌کرد و جلوی در و همسایه سربلند شده بودند. کارشناسی خودش رو در رشته فقه و حقوق به اتمام رساند و به زودی وارد مرحله کارشناسی ارشد گردید و همزمان از سال ۱۳۹۰ آموزش حرفه‌ای فروش بیمه‌های عمر و سرمایه‌گذاری را در شرکتی که مدیر آن بسیار انسان فرهیخته‌ای بود، پشت سر گذراند و وارد عرصه کار شد و رشد چشمگیری در جذب مشتری و دوستان جدید پیدا نمود.

شاید فکر کنید همه این اتفاق‌ها، اتفاقی بوده است اما نه... مصلحت وجود معلولیت، یک اراده قوی، توکل به خدا و همت و حرکت بدون چون و چرا و تسلیم نشدن به محدودیتهای معلولیت، انگیزه وی را برای ادامه راه، صدچندان می‌کرد او حالا گذر دقایق، ساعات و روزها را نمی‌فهمید و آن‌چنان غرق در کار و انرژی بخشیدن به دیگران بود که گاه متوجه می‌شد خیلی از زمان خواب و استراحتش گذشته است. هر روز که می گذشت برای او متفاوت‌تر از قبل بود. بسیاری از پرسنل، مسئولین و نیک اندیشان از او بیمه عمر دریافت می‌کردند، نه از سر ترحم بلکه از سر دانایی و توانمندی که در این جوان سراغ داشتند. او هر روز دوباره متولد می‌شد. در ادامه کارهای دیگری نیز او را مشغول خود نمود. فروش عسل و زعفران و سنگهای قیمتی خراسان، حال و هوای او را زیباتر از قبل می‌کرد و دریچه نو به روی زندگیش باز کرده بود کوه های پربار، شکوفه‌های بنفش زعفران وسنگهای پر انرژی کوه و دشت و دامنه‌های زیبای خراسان، عشقش را به زندگی بیشتر و ناتوانی را از وجودش زدوده بود. حالا پر انرژی تر از همیشه با وجود کم توانی بیشتر در ظاهر با قلبی مملو از عشق و وجودی مالامال از توانستن روبروی شما ایستاده‌این شما و این جوان خوش انرژی و پرتوان و خوش قلب روستای کویری خیر آباد محولات

**سیدجعفرتقی‌پور**

سید جعفر پس از لطف فراوان خداوند، قدردان زحمات افراد بسیاری است که در این مسیر همراه و مشوق وی بودند. امیدوارم من و شما همه بتوانیم سفیر مهر و محبت یکدیگر باشیم و عشق را به هم هدیه دهیم .

# عطرِ حضورِ شما در لحظه‌هایِ زیستن؛
# گزارشی از خانه و خانواده‌مان در چند ماه گذشته

• سیدحشمت‌نبوی

**گزارشی از چند ماه تلاشِ بی‌وقفه برای سلامت، شکوفایی و پاسداشتِ حمایت‌های شما در خانه ما، آسایشگاه**

زمان نه فقط با عقربه‌های ساعت، که با ضرب‌آهنگِ مهربانیِ شما می‌گذرد. آنچه در چندماه اخیر رقم خورد، تنها گزارشی از اقداماتِ روزمره نیست، بلکه روایتِ یک همدلیِ پیوسته است که به همتِ دستانِ گرمِ شما خیرین، به حقیقت پیوست. از عطرِ بهار تا سفرِ سبز با فرارسیدنِ فصلِ گرما مطابق سنتِ هر سال، طرحِ نظافت و سمپاشیِ تابستانیِ تمامی بخش‌ها با رعایت دقیق‌ترین پروتکل‌های بهداشتی تا محیطی امن و پاکیزه برای عزیزانمان مهیا گردد. همزمان با اجرای این طرح، فرصتی برای تعدادی از توانخواهان فراهم شد تا با حمایتِ نیکوکارانی که هرساله حامیِ سفرهای کوتاه به خطه‌ی سرسبز شمال هستند، راهیِ طبیعت شوند وگروهی راهی منزل شدند تادر فرصت پیش آمده سم پاشی و طعمِ دریا و جنگل را بچشند. در این میان، عده‌ای دیگر که خانواده‌ای ندارند، با نگاهی که لبریز از آرزو بود، دوستانشان را بدرقه کردند؛ نگاهی که به ما یادآوری می‌کند برای این عزیزان، شما تنها خانواده و پناهگاه هستید.

**تداوم**، در همین ماه‌های اخیر، زنجیره‌ی سلامتِ ما هرگز متوقف نشد. خریدِ دستگاهِ **CPR احیای‌قلبی-ریوی**، آرامشی بزرگ بود تا در اضطراری‌ترین لحظات، ضامنِ سلامت جانِ عزیزانِ وابسته به تختِ ما باشد. در کنارِ آن، **دندانپزشکانِ نیک‌اندیش، با دستانی از جنسِ مهر، واردِ بخشِ توانخواهانِ وابسته به تخت شدند.** شاید برای خیلی‌ها، یک چکاپ ساده دندانپزشکی موضوعی عادی باشد، اما برای توانخواهی که یارای حرکت ندارد، لمسِ نگاهِ مشفقانه و خدماتِ تخصصیِ این عزیزان، دردهای نهفته‌شان را حالا به لبخندی آرام تبدیل کرده است. هنرِ زیستن و حس قدرشناسی این روزها در آسایشگاه، طنینِ خنده و یادگیری نیز برپاست. با پایانِ سال تحصیلی، محصلینِ آسایشگاه در کنارِ دیگر فرزندانِ این خانه، در کلاس‌های فرهنگی و هنری شرکت می‌کنند تاهنر و مهارت‌های موردِ علاقه‌شان را بیاموزند. این کلاس‌ها برای ما درسِ زندگی است؛ درسِ اینکه حتی با وجودِ محدودیت های جسمی، می‌توان پنجره‌ای به دنیایِ خلاقیت گشود.



در آسایشگاه، صرفه‌جویی در مصرف منابع (آب، برق و...) نه تنها یک ویژگی انسانی، بلکه یکی از اولویت‌های ما برای حفظ منابع برای آیندگان است. ما این رویکرد را با ارزش گذاشتن به هزینه‌های تأمین شده از سوی مردم و حامیان مالی، تمرین می‌کنیم. این صرفه‌جویی، کوچکترین نشانه قدردانی ما از نعمات الهی و پاسداشت مهربی‌دریغ شماست. شما با حمایت‌هایتان، نه تنها خدمات درمانی را تسهیل کرده‌اید و مخارج ضروری را تأمین نموده‌اید؛ بلکه شما در گوشه‌گوشه این خانه، بذر «امید» کاشته‌اید. این پیوستگی حضور شماست که آسایشگاه را از یک مکان مراقبتی، به «خانه» تبدیل کرده است؛ خانه‌ای که در آن، هر نفس، هر لبخند هنرجویان‌مان و هر قدم برای بهبودیافته‌گان، دعای خیری است برای شما که همیشه در کنار ما بوده‌اید. می‌دانیم که هر لبخندی که بر لبان عزیزان ما می‌نشیند، بازتاب مهر شماست. هر گامی که برمی‌دارند، با دعای خیر شما همراه است. هر نفس راحتی که می‌کشند، حاصل دستان سخاوتمند شماست. ما در اینجا، نه تنها از خدمات تخصصی و تلاش شبانه‌روزی کادر خود، که پیش از هر چیز، از برکت حضور شما و همراهی بی‌دریغتان، نیرو می‌گیریم. شما معنای محبت و ایثار را به تصویر کشیده‌اید و ما، با تمام وجود، قدردان این اعتماد و همدلی هستیم. باشد که در پناه ایزد منان همواره سلامت و سرافراز باشید.



# در این خانه چه می‌گذرد !؟

این صفحات تنها گوشه‌ای از حمایت نیکوکاران عزیز که منجر به ارائه خدمات به فرزندان عزیزمان شده است، می باشد.

fayyazbakhshcharity

www.fbrc.ir

یسنا کودک ۳ ساله ساکن بخش اطفال / تشخیص بیماری : سل منتشر + نقص سیستم ایمنی + آسیت شیلوس مقاوم به درمان

که به دنبال تزریق واکسن ب ث ژ در نوزادی و داشتن نقص ایمنی مبتلا به این بیماری شده است .

از نوزادی تحت درمان در مراکز بیمارستانی و سپس مؤسسه بوده است / به دلیل آسیت شدید شکمی

تحت نظر فوق تخصص گوارش اطفال در مرکز و اقدامات درمانی مداوم برای مددجو در مرکز انجام می شود.

و در حال حاضر روزانه ۱۶ عدد آمپول اکتروتاید به صورت تزریق وریدی مداوم با پمپ سرم دریافت می کند به همین

دلیل برای مددجو کاتتر پورت وریدی (وسیله‌ای که در زیر پوست جدار قفسه سینه کار گذاری شده)

و نیاز به رگ گیریهای مکرر برطرف می شود.



## آیین بزرگداشت هفته معلم
## و بیست‌وچهارمین سال و انتشار فصلنامه شوق حضور

به مناسبت هفته گرامی‌داشت مقام معلم و به مناسبت بیست‌وچهارمین سالگرد انتشار فصلنامه ارزشمند شوق حضور، مراسمی صمیمی با حضور اعضای کادر آموزشی، معلمان، مربیان افتخاری و اعضای تحریریه نشریه مسئولان آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش برگزار شد. در این آیین مهندس حمید مستشاری عضو هیأت‌مدیره، یوسف کامیار مدیرعامل آسایشگاه و سید محمد مهدی حسینی مدیرعامل کلینیک و از پیشکسوتان عرصه تعلیم، در سخنانی جداگانه به نقش بی‌بدیل معلم در تربیت و شکوفایی استعدادهای توان‌خواهان اشاره کردند و فصلنامه شوق حضور را به‌عنوان صدای گرم مؤسسه و پلی میان خیرین و خانواده آسایشگاه ستودند. در ادامه از زحمات خالصانه معلمان گرامی، مربیان دلسوز و اعضای کوشای تحریریه فصلنامه شوق حضور تقدیر و تجلیل شد. همچنین احمد اسماعیلیان مسئول بخش دانش‌آموزی و سیده حشمت نبوی مسئول روابط عمومی امور فرهنگی و فصلنامه شوق حضور، هر یک گزارشی جداگانه از حوزه مرتبط ارائه کردند. در پایان نیز اعضای هیات مدیره از آقای کامیار به عنوان مدیر مسئول فصلنامه شوق حضور در طی ۱۶ سال و اهتمام و پیگیری‌های ویژه ایشان در چاپ این نشریه علیرغم مشکلات فراوان مالی، قدردانی نمودند.





















## روز درختکاری

اهالی فیاض بخش با همکاری شهرداری منطقه ۲ با کاشتن نهال های مثمر و غیرمثمر در حیاط و خیابان منتهی به موسسه آیین زیبای درختکاری را پاس داشتند.









## تشکیل کمیته بحران

در اولین روزهای شرایط جنگی کشور؛ کمیته بحران با حضور مدیرعامل و مسئولان واحدهای مختلف و نماینده توانخواهان موسسه تشکیل گردید. با توجه به شرایط فعلی کشور موارد مربوط به پدافند غیر عامل، تجهیزات و پیش‌بینی خاص برای آب و برق، حفظ روحیه توانخواهان و کارکنان، تامین مواد غذایی، تمهیدات لازم جهت پیشگیری از شکستن پنجره ها، پیش بینی مکانی امن در صورت لزوم، موارد مربوط به حوزه پزشکی و دارویی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

## نخستین دورهمی فرهنگی هنری توانخواهان فعال در سال ۱۴۰۵

با حضور مدیر روابط عمومی و امور فرهنگی و کارشناسان این حوزه، در فضای صمیمی کتابخانه آسایشگاه شهید فیاض‌بخش، فرزندان توانمند و جویای هنر گرد هم آمدند. هر کدام از خاطرات تلخ و شیرین سال ۱۴۰۴ گفتند و آرزوهای سال جدیدشان را مطرح کردند. کار به جایی رسید که وقتی معصومه خاطره سخت از دست دادن پدرش را با کلام بریده بریده اما پر از احساس بیان کرد، همه با او همدردی کردند. جالب بود که وقتی عارف در صحبتهایش به خودش یادآور شد که باید برای رسیدن به آرزوهایم بیشتر بجنگم و صد خود را بگذارم و نگذارم کسی مرا با معلولیتم ببیند، دوستان حاضر او را تشویق کردند و بعضی گفتند تو برای روانشناسی خوبی. در پایان این دورهمی، توانخواهان درباره علاقه های خود به کلاس های هنری گفتند و پیشنهادات مختلفی برای دوره‌های جدید و همچنین اردوی جمعی در روزهای بهاری برای تیم فرهنگی دادند. در حال حاضر ۶۰ نفر از توانخواهان آسایشگاه در کلاس‌های متنوع فرهنگی و هنری فعالیت دارند و برگزاری چنین دورهمی هایی می‌تواند نقش مهمی در رشد، انگیزه و مشارکت فعال تر آنها ایفا کند.

## دید و بازدید عیدانه

در سومین روز از فروردین، در هوای دل‌انگیز بهاری مشهد یوسف کامیار مدیرعامل به همراه جمعی از مسئولان، به دیدار توانخواهان و کارکنان رفتند و به رسم هر نوروز، عیدی دادند و این سنت زیبای ایرانی را زنده نگه داشتند و برای یکدیگر سالی سرشار از برکت، سلامتی و شادمانی آرزو کردند.



## دیداری نوروزی

همزمان با فرارسیدن سال نو، مدیرعامل و جمعی از مسئولان موسسه در دفتر کار مهندس حمید مستشاری، عضو هیأت مدیره آسایشگاه، با ایشان دیدار کرده و آغاز سال جدید را تبریک گفتند. در این دیدار صمیمانه که برخی اعضای هیأت امنا نیز حضور داشتند، مدیرعامل موسسه گزارشی جامع از اقدامات و فعالیت‌های انجام‌شده در سال ۱۴۰۴ را ارائه کرد. نیک اندیش گرانقدر جناب مهندس مستشاری ضمن تقدیر ویژه از تلاش‌های مدیرعامل و همراهان موسسه، اظهار داشت که در شرایط حساس و دشوار اقتصادی کشور، همت و دلسوزی خیرین، یاوران و کارکنان نقشی مؤثر در ارتقای کیفیت خدمات و بهبود شرایط توان‌خواهان داشته است. ایشان از فعالیت های انجام شده درسال بحرانی ۱۴۰۴ به عنوان معجزه ای قابل ستایش یاد کرد.







## اعتمادتان را سپاس

همچون سال‌های گذشته در عید سعید فطر، آسایشگاه شاهد بارش مهر خداجویان عزیز در اهدای فطریه و کفاره ماه مهمانی خدا بود. همواره قدر دان همراهی و حمایت نیکوکاران ارجمند می باشیم.



## تقدیر مدیرعامل از بانوان آسایشگاه در سالروز ولادت حضرت معصومه(س)

همزمان با میلاد با سعادت حضرت فاطمه معصومه (س) و آغاز دهه پربرکت کرامت، یوسف کامیار مدیرعامل آسایشگاه، به همراه جمعی از مسئولان مجموعه با حضور در بخش‌های مختلف، با اهدای هدیه این ایام فرخنده را به بانوان و دختران آسایشگاه تبریک گفتند



## تبریک روز دندانپزشکی

همزمان با فرارسیدن ۲۳ فروردین ماه، روز دندانپزشکی، مدیرعامل مؤسسه به همراه جمعی از مسئولان با حضور در کلینیک دندانپزشکی فیاض‌بخش، با اهدای شاخه گل این روز را به پزشکان، مدیریت و پرسنل کلینیک تبریک گفتند.

کلینیک دندانپزشکی ویژه معلولین شهید فیاض‌بخش، به‌عنوان نخستین مرکز تخصصی در کشور برای ارائه خدمات دندانپزشکی به افراد دارای معلولیت، با بهره‌مندی از همکاری ۱۲۰ دندانپزشک افتخاری، سال‌هاست منشأ خدمات ارزشمند به مددجویان آسایشگاه، استان، کشور و حتی معلولین نیازمند از کشورهای همسایه بوده است.



## عید قربان؛ جلوه‌ای از همدلی و نیکوکاری در آسایشگاه شهید فیاض بخش مشهد

با فرا رسیدن عید سعید قربان، آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش مشهد از نخستین ساعات صبح، میزبان نیکوکاران و خداجویانی بودکه با نیت خیر و کمک به همنوع، برای اهدای قربانی و نذورات در این مجموعه حضور پیدا کردند. این مرکز با برخورداری از کشتارگاه صنعتی و رعایت کامل موازین بهداشتی، تحت نظارت اداره دامپزشکی، تلاش می‌کند تا بهترین و مطمئن‌ترین خدمات را برای دریافت و توزیع نذورات مردمی فراهم سازد.



## روز روابط عمومی

به مناسبت روز ارتباطات و روابط عمومی، یوسف کامیار مدیرعامل آسایشگاه به همراه جمعی از مسئولان و کارکنان، با حضور در واحد روابط عمومی، این روز را به همکاران این حوزه تبریک گفتند.







## بازدید استاندار یزد از آسایشگاه فیاض بخش

استاندار یزد، دکتر محمدرضا بابایی، در جریان سفر خود به مشهد از آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش بازدید کرد. او در این دیدار ضمن گفت‌وگوی صمیمانه با توان‌خواهان، از بخش‌های مختلف این مرکز خیریه نیز بازدید به عمل آورد. دکتر بابایی فعالیت‌ها و خدمات این مجموعه را کم‌نظیر توصیف کرد و آن را الگویی مؤثر برای سایر استان‌ها دانست؛ الگویی که می‌تواند زمینه‌ساز دسترسی بهتر توانخواهان سراسر کشور به امکانات مناسب و شایسته باشد.



## برگزاری نشست هم‌اندیشی مدیرعامل جدید آسایشگاه با مسئولان بخش‌های مختلف مؤسسه

در نشستی صمیمی سید محمدمهدی حسینی مدیرعامل جدید آسایشگاه، با مسئولین و همکاران مؤسسه دیدار و گفت‌وگو کرد. در این جلسه، مدیرعامل جدید ضمن قدردانی از تلاش‌های صادقانه و دلسوزانه تمامی کارکنان و خدمتگزاران مؤسسه که با تمام توان در مسیر ارائه خدمات شایسته و بهینه به معلولان عزیز گام بر می‌دارند، بر ضرورت تعامل، همدلی و همکاری هرچه بیشتر میان بخش‌های مختلف مؤسسه برای تحقق اهداف عالی آن تأکید کرد. وی با اشاره به اهمیت توجه ویژه به نیازها و خواسته‌های توانخواهان، اظهار داشت: همواره و در هر زمانی توانمندسازی، استقلال‌بخشی و فرا هم سازی زمینه رشد و شکوفایی توانخواهان عزیز و همچنین آرامش کارکنان به ویژه مدد یاران گرانقدر که در سنگر اول خدمت‌رسانی به توانخواهانند در صدر برنامه ها و اولویت‌های مؤسسه قرار گیرد. مدیر عامل همچنین از تمامی بخش‌ها خواست تا گزارش شش‌ماهه فعالیت خود را ارائه دهند تا در جلسات تخصصی آینده، ضمن بررسی دقیق عملکردها، برای تقویت نقاط قوت و رفع چالش‌ها و مشکلات احتمالی تصمیم‌گیری و برنامه ریزی شود. از دیگر محورهای مهم مطرح‌شده در این نشست، می‌توان به تشکیل شورای راهبردی معلولان با حضور توان‌خواهان و نیز توجه ویژه به نیروی انسانی به عنوان سرمایه اصلی مؤسسه اشاره کرد. در ابتدای این جلسه نیز مدیرعامل جدید آسایشگاه، از ۱۶ سال خدمات صادقانه و ارزشمند یوسف کامیار مدیرعامل پیشین موسسه قدردانی کرد. در ادامه نشست، هر یک از حاضران به بیان دیدگاه‌ها، پیشنهادها و نقطه نظرات خود، پرداختند.



## حمایت همه جانبه مؤسسه معلولین شهید فیاض بخش از ملی‌پوشان بسکتبال با ویلچر در اردوی مشهد

در جریان اردوی تیم ملی بسکتبال با ویلچر که به میزبانی مشهد در مجموعه ورزشی شادروان علی حمیدی موقوفه آسایشگاه برگزار می‌شد، اعضای هیأت مدیره آسایشگاه در محل اردو از نزدیک با مربیان و بازیکنان دیدار کردند و ضمن خداقوت‌گویی، برای موفقیت ملی‌پوشان کشور در مسابقات آسیایی پیش‌رو آرزوی موفقیت نمودند.

مهندس امیر احد مستشاری، دبیر کمیته ورزش و عضو هیأت‌مدیره مؤسسه، میزبانی از تیم ملی را افتخاری بزرگ دانست و تأکید کرد که با همکاری فدراسیون، تمام تلاش مجموعه فیاض بخش بر فراهم‌سازی امکانات مناسب برای این اردو بوده است وی افزود: نگاه مؤسسه فیاض‌بخش تنها محدود به تیم ورزشی آسایشگاه نیست؛ این مجموعه متعلق به همه ورزشکاران دارای معلولیت در سراسر کشور است و از تمامی ظرفیت های موجود برای خدمت‌رسانی به این عزیزان استفاده می‌شود. بهروز سلطانی سرمربی تیم ملی نیز با قدردانی ویژه از مسئولان و هیأت‌مدیره مؤسسه فیاض‌بخش، توجه این مجموعه به ورزش معلولان را کم‌نظیر توصیف کرد. او حضور **هفت نماینده از تیم فیاض بخش** اردوی تیم ملی را نتیجه همین نگاه حمایتی دانست و در ادامه مشهد را به‌دلیل شرایط خاص کشور، بهترین شهر برای برگزاری اردو عنوان کرد. سلطانی همچنین ورزشگاه علی حمیدی را یکی از بهترین سالن‌های ورزشی کشور برای تیم ملی برشمرد.

## اردوی تیم ملی بسکتبال با ویلچر در مشهد با ۸ نماینده از تیم آسایشگاه فیاض بخش

خراسان رضوی میزبان دهمین مرحله اردوی تیم ملی بسکتبال با ویلچر آقایان در مشهد

این اردو در راستای اعزام به بازی های پاراآسیایی ناگویا ۲۰۲۶ ژاپن از ۹ فروردین ماه به مدت ده روز درمجموعه ورزشی شادروان علی حمیدی مشهد برگزار گردید. در این اردو غلامرضا نامی به عنوان مربی و حسن عبدی، فواد مظفری افخم، الیاس مرتضی مقدم، مظاهر پایداری، امید استادی ، محمد نوریان و سامان فکوریان از تیم آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش به‌عنوان ورزشکار حضور داشتند .

## افتخاری دیگر برای ورزش آسایشگاه

اردوی تیم ملی بسکتبال با ویلچر زنان به مدت ۱۰ روز جهت آمادگی در مسابقات پارا آسیایی ناگویا ۲۰۲۶ در مشهد برگزارگردید. **نکته مهم اینکه ۸ بازیکن حاضر در اردوی تیم ملی از بازیکنان تیم بسکتبال با ویلچر آسایشگاه فیاض بخش بودند:** رقیه صالحی، فاطمه مولایی، مهدیه روحانی، نادیا بلوچی، مهسا سعادت، هستی همایونی، سیمین مظفری اطهرو فتانه پورآت




استقبال از آقای غلامرضا نامی در فرودگاه هاشمی نژاد مشهد

## سهمیه جهانی بسکتبال با ویلچر ایران

شاگردان غلامرضا نامی سرمربی پرافتخار تیم آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش و مربی تیم ملی بسکتبال ایران با پیروزی مقتدرانه برابر لهستان، سهمیه جهانی بسکتبال باویلچر را کسب کردند تیم ملی بسکتبال باویلچر ایران در رقابت های شانس مجدد انتخابی قهرمانی جهان با نام شهید جاویدالاثر ناو دنا، شهید رضا رک جان در تایلند شرکت کرده و با پیروزی قاطع برابر تیم های سنگال، برزیل و لهستان، بر صدر گروه ب ایستاده و سهمیه مسابقات قهرمانی جهان در کانادا را به صورت مستقیم به دست آورد. گفتنی است، مسابقات جهانی کانادا اولین گام کسب سهمیه بازی های پارالمپیک بوده و نتایج تیم های آسیایی در این رقابت ها، تعداد سهمیه مستقیم و غیرمستقیم قاره کهن را برای پارالمپیک لس آنجلس ۲۰۲۸ مشخص خواهد کرد. همچنین سرمربی توانمند آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش و مربی تیم ملی بسکتبال باویلچر کشور در بازگشت از کسب سهمیه مسابقات جهانی، مورد استقبال قرار گرفت.





## برای رویداد ویژه در ورزش فیاض بخش؛ دو دختر نوجوان آسایشگاه در مسیر ناگویا ۲۰۲۶

سیمین مظفری و هستی همایونی، دو بسکتبالیست نوجوان و از فرزندان آسایشگاه فیاض‌بخش، برای نخستین‌بار در تاریخ ورزش این مجموعه، در جمع بازیکنان نهایی تیم ملی بسکتبال با ویلچر بانوان برای حضور در مسابقات آسیایی ناگویا **۲۰۲۶** در رده بزرگسالان قرار گرفتند. این اتفاق، تنها یک موفقیت ورزشی نیست؛ ثمره سال‌ها برنامه‌ریزی، حمایت، اعتماد و فراهم‌کردن فرصت برای فرزندان فیاض‌بخش است؛ دخترانی که امروز از دل آسایشگاه، نام فیاض‌بخش را به میدان‌های بزرگ آسیایی می‌برند. در کنار سیمین مظفری و هستی همایونی، مهدیه روحانی، رقیه صالحی، فاطمه مولایی، نادیه بلوچی، فتانه پورآت و مهسا سعادت، بازیکنان تیم بسکتبال با ویلچر آسایشگاه فیاض‌بخش، در این رقابت‌ها حضور خواهند داشت. حضور سیمین و هستی در این کاروان، برای خانواده بزرگ فیاض‌بخش مایه مسرت و افتخار است؛ موفقیتی که نشان می‌دهد وقتی به توانایی‌های فرزندان این مجموعه اعتماد شود و مسیر رشد و شکوفایی آنان فراهم آید، رویاها می‌توانند از آسایشگاه تا بزرگ‌ترین میدان‌های ورزشی آسیا پیش بروند.

شکفتن هنر ماست

امور فرهنگی هنری
آسایشگاه فیاض بخش

**اینجا هنر تنها یک فعالیت فرهنگی نیست؛**
**هنر، زبانِ زندگی‌ست، راهی‌ست برای نفس کشیدن،**
**برای گفتنِ بی‌کلام، برای دیدنِ آن‌چه فراتر از جسم است.**

**ادامه معرفی کلاس های فرهنگی**

## کاردستی و خلاقیت

از کاغذهای رنگی تا نی های ساده، از دکمه های کوچک تا مقواهای بی‌جان، همه به کار گرفته می‌شوند تاهنری نو خلق‌شود.
بچه‌ها در این کلاس، نه فقط دست به ساختن می زنند، بلکه ذهن و ذوق‌شان را هم هر بار از نو می سازند.
۱۱ توانخواه هنرجو در کنار مربی شان زیبایی را مهمان چشم هر بیننده‌می‌نمایند.





## تاپستری؛ (نوعی بافت هنری)

این کلاس، یکی از خاص‌ترین تجربه‌هاست.
تاپستری، با آن رشته‌های رنگی و الگوهای پیچیده، بستری است برای صبر و ذوق. هر نخ، با دستانی گاه ناتوان، اما با اراده‌ای قوی، در جای خود گره می‌خورد و کم‌کم، تابلویی از رنگ و نقش و عشق شکل می گیرد.
۱۷ نفر از محصلین، زنان و مردان در این کلاس حضور دارند.





## برگزاری دوره های شاهنامه خوانی در آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش

همزمان با ۲۵ اردیبهشت‌ماه، روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی و در راستای فعالیت‌های فرهنگی هنری، کلاس شاهنامه خوانی در آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش مشهد برگزار گردید.
این دوره آموزشی با حضور یکی از اساتید برجسته شاهنامه‌خوانی مشهد و با استقبال گرم توان‌خواهان آسایشگاه همراه بود. در این کلاس، شرکت‌کنندگان ضمن آشنایی با زندگی و اندیشه‌های این شاعر برجسته ایران زمین، به فراگیری داستان‌ها و مفاهیم حماسی شاهنامه می پردازند. هدف از برگزاری این کلاس، تقویت توانمندی‌های فرهنگی، افزایش اعتمادبه‌نفس و پرورش علاقه‌مندان به هنر اصیل شاهنامه‌خوانی است تا توان‌خواهان در آینده بتوانند به شاهنامه‌خوانانی آگاه و توانمند تبدیل شوند. از نیک اندیش فرهیخته؛جناب دکتر قیامتی جهت معرفی بانو دنیا خادمی برای آموزش شاهنامه‌خوانی، سپاسگزاریم.





**در آسایشگاه معلولین انجام فعالیت های هنری نوعی درمان است و آن هم از نوع توان بخشی حرفه‌ای**

## قدردانی از مدیران مدارس

در آستانه آغاز سال تحصیلی جدید، آسایشگاه فیاض‌بخش **میزبان مدیران مدارسی بود که فرزندان عزیز آسایشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی در آن‌ها مشغول به تحصیل هستند؛** مدیرانی نیک‌اندیش که فراتر از وظایف قانونی خود، با دلسوزی و مسئولیت‌پذیری، پیگیر امور تحصیلی و رشد و پیشرفت این عزیزان هستند. سید محمد مهدی حسینی مدیرعامل مؤسسه نیز با قدردانی از این همراهی ارزشمند، مدرسه را «خانه دوم» مددجویان در مسیر رشد و شکوفایی استعدادها دانست و اظهار کرد: حضور مؤثر و حمایتگرانه مدارس می‌تواند، نقش مهمی در افزایش اعتمادبه‌نفس، شکوفایی استعدادها، ورود توانخواهان به دانشگاه و در نهایت دست‌یابی آنان به استقلال در آینده داشته باشد. در پایان این نشست، از زحمات و همراهی مدیران مدارس،با اهدای لوح سپاس قدردانی شد.









### خدمت به معلولین، توفیقی ارزشمند است

در دیداری صمیمی، مدیرعامل آسایشگاه ، به همراه جمعی از مسئولان مؤسسه با دکتر محسن محور، مدیرعامل بیمارستان فوق‌تخصصی رضوی، دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار، مدیرعامل آسایشگاه ضمن ارائه گزارشی از فعالیت‌ها و اقدامات مؤسسه در حوزه‌های مختلف، از همراهی و **حمایت‌های مدیرعامل و مدیران بیمارستان رضوی، به‌ویژه در زمینه درمان مددجویان و برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه کارکنان، قدردانی کرد.** دکتر محسن محور نیز با تقدیر از تلاش‌های دست اندرکاران آسایشگاه فیاض‌بخش، خدمت به افراد دارای معلولیت را توفیقی ارزشمند دانست و بر ضرورت قدرشناسی از این خدمت تأکید کرد. وی افزود: «هر اقدامی که از سوی بیمارستان رضوی برای آسایشگاه انجام شود، برای ما افتخار است» و خاطرنشان کرد این همکاری‌ها در آینده، علاوه بر حوزه درمان، در زمینه‌های دیگر نیز گسترش خواهد یافت.

### هم‌اندیشی مدیرعامل آسایشگاه فیاض‌بخش با یاوران در فضای صمیمی

نشست سید محمدمهدی حسینی، مدیرعامل، آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش، با مسئول و نمایندگان گروه‌های یاوران دورهم گرد آمدند. در این دیدار، یاوران ضمن ارائه گزارشی از فعالیت‌ها و اقدامات داوطلبانه خود، دیدگاه‌ها، پیشنهادها و دغدغه‌هایشان را برای بهبود و توسعه فعالیت‌های داوطلبانه مطرح کردند.



# کلینیک دندانپزشکی ویژه معلولین شهید فیاض بخش مشهد

## خدمتی ویژه ومتفاوت برای معلولان

## نابینا، ناشنوا، جسمی حرکتی،ذهنی، چندمعلولیتی، اوتیسم، بیماران MS و...

- بخش تحت بیهوشی
- دندانپزشکی اطفال
- عکس برداری
- پروتزهای ثابت ومتحرک
- درمان ریشه
- آموزش بهداشت دهان ودندان
- پایش سلامت دهان ودندان
- جراحی فک وصورت
- استفاده ازبا کیفیت ترین مواد دندانی روزدنیا
- جراحی ودرمان بیماری های لثه (پریودنتیکس)

اولین کلینیک دندانپزشکی ویژه معلولان درکشور مجهز به ۷یونیت دربخش دندانپزشکی و۳یونیت در بخش اتاق( عمل با بیهوشی)۳ یونیت در بخش کودکان با حضور ۱۲۰ تن ازدندانپزشکان نیکوکار وفرهیخته شهر مشهد به منظور درمان بیماری های دهان ودندان مددجویان ومعلولان دارای مشکلات جسمی وذهنی آماده خدمت رسانی به این عزیزان می باشد.



آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش( عبدا...هنری )مشهد

نشانی:میدان‌شهیدفهمیده به سمت قائم (عج)، جاده اختصاصی‌آسایشگاه کلینیک دندانپزشکی معلولین

WWW.FBRC.IR

ارائه خدمات به معلولان
باتخفیفات ویژه ورایگان

## ما را در غم خود شریک بدانید

**نیک اندیشان ونیکو کاران گرانقدر**

خانواده محترم بهمنی

جناب آقای مهندس محمد رضا حامد سردار

جناب آقای دکتر علی اکبر علی یاری بروجنی

خانواده محترم رضا زاده

سرکارخانم دکتر نگار خلیقی

خانواده محترم علوی درگذشت پزشک نیک اندیش سرکار خانم دکتر نجمه علوی

جناب آقای مهندس داوود سروقدی

**همکاران محترم:**

جناب آقای مهندس سرابی ، سرکار خانم زهره اندادی ، سرکار خانم فاطمه عباسی

جناب آقای محمد مهدویان ، سرکار خانم صدیقه مرادیان ، سرکار خانم نرگس بلوچ

**با احترام**

**تحریریه شوق حضور**

## در همه حال به یاد هم باشیم

**تبریک و تسلیت، با فرهنگی نو و نیکو**

**در دنیای امروز، با یک تغییر ساده در سنت‌ها می‌توانیم گامی مؤثر در حمایت از نیازمندان برداریم. به جای تاج گل‌ها، استندهای تبریک و تسلیت را انتخاب کنید و با این عمل، فرهنگی نوین را در کنار هم رقم بزنیم. این انتخاب نه تنها در اذهان ماندگار می‌شود و از اسراف جلوگیری می‌نماید بلکه در راستای حمایت از ۵۵۰ فرزند این آسایشگاه، در مسیر درمان، تحصیل و توانبخشی آن‌ها نیز سهیم خواهید بود. هر پیام شما، نه تنها حاوی کلامی محبت آمیز است، بلکه گامی در جهت پیوند زندگی‌هایی است که در تلاش‌اند تا زندگی خود را بهتر سازند.**

**برای سفارش استندهای تبریک و تسلیت، با ما تماس بگیرید:**

**۰۵۱۳۶۶۶۶۰۰۰**

**WWW.FBRC.IR**



# نیازمندیهای این خانه

## نیازمندیهای فعلی

| | |
|---|---|
| البسه وکفش مردانه | ۲۰۰ دست |
| البسه وکفش زنانه | ۱۳۰ دست |
| لباس بچه | ۲۰۰ دست |
| دمپایی | ۵۲۰ عدد |
| بلوز ورزشی | ۲۵ دست |
| پارچه تریکو | ۵۵۰ متر |
| تیشرت وشلوار | ۵۲۰ عدد |
| کامپیوتر | ۵ دستگاه |
| کمد کنار تخت | ۳۱۰ عدد |
| ویلچر ورزشی | ۵ دستگاه |
| پتو یک نفره | ۳۰۰ تخته |
| متقال متخلخل حمام | ۴۵ عدد |
| پوشک ایزی لایف | ۳۰۰ بسته |
| گاز جهت پاسمان | ۳۵ کیلو |
| پارچه متقال ماهیانه | ۱۲۰۰ متر |
| مشمع بیمارستانی | ۳۰ رول |
| پرینتر | ۳ عدد |

## مصارف ماهانه

| | |
|---|---|
| دارو | ۵/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال |
| شامپو بچه | ۱۰۰ عدد |
| صابون مایع | ۱۰۰۰ لیتر |
| صابون حمام | ۲۵۰ لیتر |
| مایع‌ظرفشویی | ۳۰۰ لیتر |
| شامپو بزرگسال | ۲۰۰ قوطی |
| قاشق کوچک | ۳۰۰ عدد |
| سرشیشه شیر | ۳۰۰ عدد |
| سرکلاک | ۲۲۰ قوطی |
| روغن زیتون | ۱۵ لیتر |
| لوازم بهداشتی و پزشکی | ۴/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال |

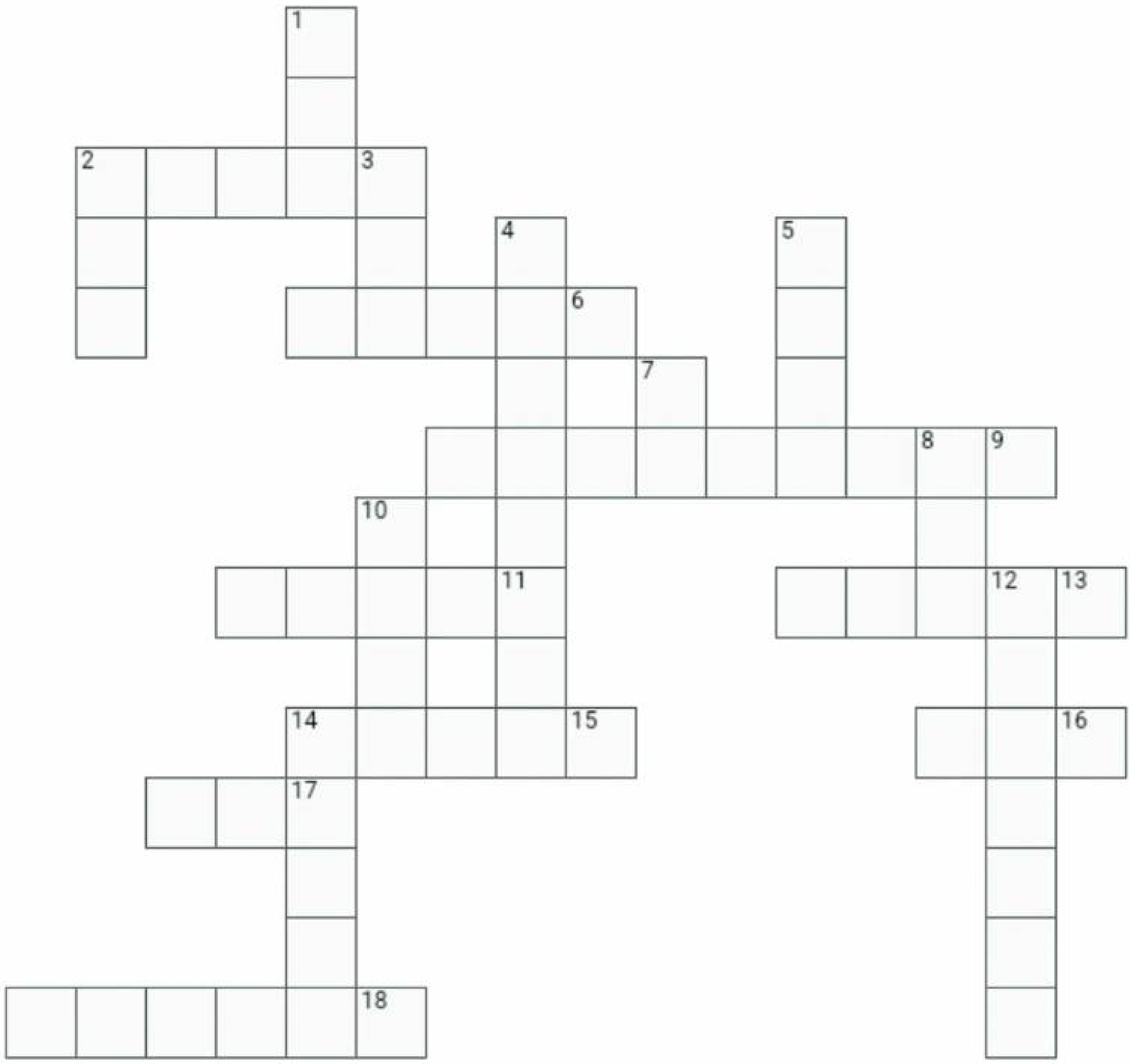
| | |
|---|---|
| حلوا یک نفره | ۳۰۰۰ عدد |
| برنج | ۱۸۰۰ کیلو |
| رب | ۴۵۰ قوطی |
| روغن | ۶۰۰ کیلو |
| چای | ۱۰۰ کیلو |
| مرغ | ۶۰۰ کیلو |
| گوشت قرمز | ۱۳۰۰ کیلو |
| گوشت ماهی | ۱۲۰ کیلو |
| قند | ۵۰۰ کیلو |
| شکر | ۴۰۰ کیلو |
| حبوبات | ۴۵۰ کیلو |
| انواع سبزیجات | ۸۰۰ کیلو |
| پنیر | ۱۵۰ کیلو |
| شیر پاکتی | ۴۲۰۰ عدد |
| کره | ۲۰۰۰ عدد |
| ماست تازه | ۱۸۰۰ کیلو |
| ماست چکیده | ۴۰۰ کیلو |
| تخم مرغ | ۴۰۰ کیلو |
| عسل | ۴۰ کیلو |
| صیفی جات | ۱۵۰۰ کیلو |
| میوه | ۷۰۰ کیلو |
| ماکارانی | ۲۱۰ کیلو |
| رشته فرنگی | ۷۰ کیلو |
| ادویه | ۵۰ کیلو |
| مربا نفری | ۲۰۰۰ عدد |

۵۰درصد رب گوجه فرنگی ماهانه توسط خیرین تامین شده است.
با سپاس از نیکوکاران گرانقدر که در تامین لباس زمستانی
فرزندان این خانه،حامی‌مان بودند.

تامین تخم مرغ ماهانه (جناب آقای دکتر محمدصادق رزم حسینی)
تجهیز کامل فیزیوتراپی توسط خانواده محترم توکلی به یادبود مرحومه ثریا فضائلی
به مبلغ ۲۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال
اهدای یک دستگاه الکتروشوک



# جدول و سرگرمی




## عمودی

۱–نشانه وعلامت یک موسسه

۲–حرفه ای برای کسب درآمد که مددجویان در کارگاه ها به ان مشغولند

۳–رنگ آسمان پاک

۴–بازگرداندن توانایی هایی یک فرد معلول به بیشترین حد ممکن

۵–حسی مثبت ونیرومند که انگیزه حرکت و تلاش است

۷–مخفف کلمه همیشگی و جاودان

۸–ضمیر اشاره به نزدیک

۱۰–شغل یا موقعیت فردی که با فداکاری به آموزش مددجویان می پردازد

۱۲–شعار زیبای آسایشگاه؛ با شما داستان ....ادامه دارد

## افقی

۳–یادگیری یک حرفه یا مهارت جدید در کارگاه های آسایشگاه

۶–ورزش محبوب وهیجان انگیز پرتاب توپ ویژه توان یابان شدید حرکتی

۹–از خدمات ویژه فیاض بخش برای بازگرداندن توانایی حرکتی

۱۱–پشتیبانان و نیکوکارانی که با هدایای خود مایه دلگرمی آسایشگاه هستند

۱۳–کلمه ای برای ابراز تشکر وسپاس

۱۵–بخش مهمی در توانبخشی که با ورزش وماساژ سر کاردارد(پیشوند تراپی)

۱۶–شادی و نشاط

**ازمیان پاسخ های درست به ۳نفر، به قید قرعه از طرف فرش مشهد هدایایی تقدیم خواهد شد**




# روایت یک موزع دوست‌داشتنی

یکی از مددجویان آسایشگاه فیاض‌بخش مشهد با وجود معلولیت ۱۵ سال مسئولیت توزیع روزنامه را برعهده داشته است.

● سعیده آل‌ابراهیم

روایت آنچه که او از زندگی‌اش ساخته به یافتن روزنه‌ای نور در دلِ تاریکی می‌ماند، البته تاریکی که ما نورش را نمی‌بینیم. تمام سال‌های خوش دوران نوجوانی‌اش را در آسایشگاه معلولان گذرانده است تا الان که شمار سال‌های سن شناسنامه‌ای‌اش نیم قرن را هم رد کرده است. چهره مهربان و مردانه‌ای دارد که اگر معلولیت جسمی رهایش می‌کرد، می‌توانست در هزار و یک شغل کار کند و روزگار بگذراند؛ اما باور نداشت که درون چاردیواری آسایشگاه کار برایش محال است به همین خاطر برای حدود ۱۵ سال موزع روزنامه در داخل آسایشگاه شد. سیدسعید حسینی حالا که رنگ ریش و موهایش سفید شده و چروک‌های سن و سال بر پیشانی و گوشه چشم‌هایش نشسته است، هنوز آن روزهای شیرین را به خاطر دارد و وقتی از آن صحبت می‌کند گوشه لب‌هایش به نشانه لبخندی کج می‌شود. چند سالی است که دیگر ضعف عضلات او را ویلچرنشین کرده است، اما او آدمِ نشستن نیست؛ هنوز هم دلش می‌خواهد هنر جدید یاد بگیرد و مسئولیت کاری را یک تنه به دوش بکشد. مسئول توزیع روزنامه‌های مشهد در آسایشگاه فیاض‌بخش سمتی است که هنوز هم به داشتنش افتخار می‌کند. روایتی که کارشناس روابط عمومی از سال‌های همکاری با سعید به خاطر دارد، این است که با وجود معلولیت، بسیار منظم بود و هر صبح راس ساعت به روابط عمومی می‌آمد، روزنامه‌ها را تحویل می‌گرفت و سپس توزیع می‌کرد. صحبت کردن سعید مانند قطاری است که دیر به ایستگاه می‌رسد، اما می‌رسد؛ معلولیت بر قدرت تکلم او اثر گذاشته است و به سختی حرف می‌زند. فهم بعضی از کلماتش آسان است و برخی دیگر از جملاتش را باید برایم ترجمه کنند. خودش می‌گوید: شهرآرا، قدس، خراسان، جام جم هم بود. ۱۰ تا ۱۲ مقصد برای تحویل روزنامه تعیین شده بود از کتابخانه گرفته تا دفتر مدیرعامل، پزشک، اتاق‌های مختلف در بخش مردان و زنان، بخش دانش‌آموزان و ... که باید سعید روزنامه را به آن‌ها می‌رساند و بردن آن‌ها با دست ممکن نبود، به همین دلیل مسئولان آسایشگاه جلوی واکر سعید سبدی نصب می‌کنند تا بتواند روزنامه‌ها را داخل آن بگذارد. کسی از او نخواسته بود که بابت توزیع روزنامه‌ها گزارش کار بدهد، اما سعید خودش دفتری برای این کار در نظر گرفته بود و هر روز ساعت تحویل، توزیع و تعداد روزنامه‌ها را در آن می‌نوشت؛ با اینکه این کار روزمره بود، اما بازهم هر روز این تکرار را تکرار می‌کرد. سعید به قدری دقیق و سریع این کار را انجام می‌داد که روابط عمومی مسئولیت رساندن نامه‌های اداری به بخش‌های مختلف را هم به سعید می‌سپرد. طبق گفته روابط عمومی، خوشحالی سعید در آن روزها دیدنی بوده است به خصوص مواقعی که با او کار داشتند و از طریق بلندگو صدایش می‌زدند تا به دفتر روابط عمومی برود و با چنان ذوق و سرعتی خود را به آن‌جا می‌رسانده است که گفتنی نیست. خانواده او در آمل زندگی می‌کنند و به او سر می‌زنند، حتی تابستان‌ها هم سعید را با خود می‌برند تا حال و هوایی عوض کند. با این وجود سعید بازهم روزهای حضورش در آسایشگاه را به بطالت نمی‌گذراند، با وجود سن و سال و جنسیتش روحیه لطیفی دارد و روزهای سه‌شنبه سر کلاس نقاشی حاضر می‌شود. مصاحبه ما هم با سعید مابین یکی از نقاشی‌هایش اتفاق افتاد وقتی رنگ زرد را با قلم روی بوم سفید رنگ نوازش می‌کرد.




قدردانی اهالی بهشت کوچک فیاض بخش از پزشکان

همزمان با فرارسیدن روز پزشک، آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش میزبان محفلی صمیمی و متفاوت بود. در این برنامه صمیمی که با حضور اعضای هیات مدیره، مدیرعامل موسسه، مسئولان، کادر درمان و پزشکان برگزار شد، از پزشکانی تجلیل شد که بسیاری از آنان متخصصان برجسته و پزشکان افتخاری آسایشگاه هستند؛ انسان‌هایی که حضورشان در کنار این مجموعه، فراتر از یک مسئولیت حرفه‌ای و در قالب همراهی دلسوزانه و انسانی معنا پیدا کرده است. در بخش ویژه این مراسم، هنرمندان گروه «آوای آسایشگاه» با اجرای زنده دو قطعه از آثار خود، لحظاتی سرشار از احساس و شادی را برای حاضران رقم زدند و با زبان هنر، قدردانی اهالی آسایشگاه را به پزشکان تقدیم کردند. سید محمدمهدی حسینی، مدیرعامل آسایشگاه، با اشاره به همراهی همیشگی پزشکان با این مجموعه، از تلاش‌ها و حمایت‌های آنان در تمامی شرایط قدردانی کرد و گفت حضور پزشکان در کنار آسایشگاه، پشتوانه‌ای ارزشمند برای حفظ سلامت جسمی و روحی توان‌خواهان است. ما شاید صمیمی‌ترین بخش مراسم، صحبت‌های خود پزشکان بود؛ جایی که آنان از دلبستگی عمیق خود به آسایشگاه و مددجویان سخن گفتند. پزشکان حاضر بیان کردند که اگرچه برای درمان و مراقبت از این عزیزان قدم به آسایشگاه می‌گذارند، اما آنچه در نهایت نصیبشان می‌شود، حس آرامش، محبت و حال خوبی است که از فرزندان عزیز مددجو و کارکنان این مجموعه دریافت می‌کنند؛ احساسی که با هیچ معیار و اندازه‌ی قابل سنجش نیست. حضور دکتر یاور مجیدی نوه زنده یاد دکتر محمد ارسطوپور از بنیانگذاران آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش، از دیگر لحظات ماندگار این مراسم بود؛ حضوری که یادآور ریشه‌های ارزشمند و میراث انسانی این مجموعه شد. همچنین نام و یاد دکتر بهروز خدیوی یار و همراه دکتر ارسطو پور که در این مسیر همراه این مرد بزرگ بود گرامی داشته شد.

خانم دکتر فاطمه قانع شعرباف متخصص فوق تخصص کلیه و مجاری ادراری کودکان مهمان ویژه این مراسم بود که به جمع پزشکان نیک اندیش آسایشگاه جهت خدمت رسانی به فرزندان عزیز این مجموعه اضافه شد. در پایان این محفل، پزشکان با ثبت اثر انگشت خود در یادمان روز پزشک و نوشتن یادگاری در دفتر یادمان آسایشگاه، خاطره این روز را ماندگار کردند. اهالی آسایشگاه نیز با اهدای تندیس روز پزشک و شاخه‌های گل، از همراهی و محبت پزشکانی که سال‌ها در کنار این خانواده بزرگ ایستاده‌اند، قدردانی نموده اند.





دکتر یاور مجیدی نوه عزیز ویادگار
دکتر محمد ارسطوپور



مهمان ویژه مراسم
نیکوکار عزیز خانم دکتر فاطمه قانع شعرباف









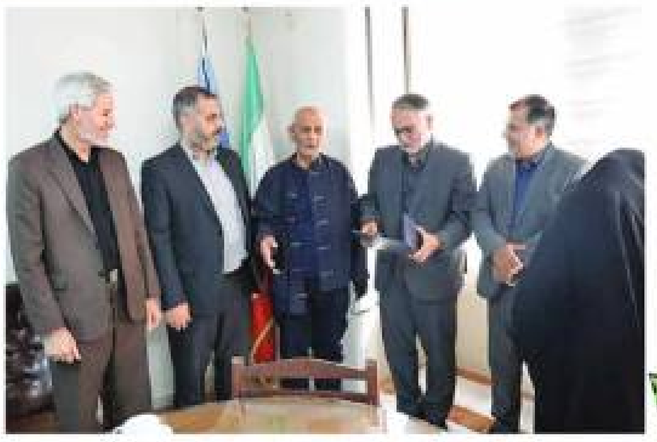




## دیدار اهالی آسایشگاه فیاض‌بخش با اصحاب رسانه
## به مناسبت روز خبرنگار

به مناسبت فرارسیدن روز خبرنگار، سید محمدمهدی حسینی، مدیرعامل آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش به همراه جمعی از مسئولین موسسه با حضور در مؤسسه فرهنگی شهرآرا، سرپرستی روزنامه اطلاعات، هفته‌نامه نخست و هلدینگ خبر فوری با مدیران و مسئولان این رسانه‌ها دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدارها که با هدف گرامیداشت مقام خبرنگار و قدردانی از تلاش‌های اصحاب رسانه انجام شد، مدیرعامل و مسئولان آسایشگاه فیاض‌بخش ضمن تبریک روز خبرنگار به خبرنگاران، مدیران و دست‌اندرکاران رسانه‌ها، از نقش مؤثر رسانه‌ها در انعکاس واقعیت‌های اجتماعی، معرفی ظرفیت‌ها و مطالبه‌گری در حوزه مسائل افراد دارای معلولیت تقدیر کردند. سید محمدمهدی حسینی در جریان این دیدارها، ضمن معرفی آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش، به تشریح خدمات، فعالیت‌ها، دستاوردها و توانمندی‌های این مجموعه پرداخت و درباره برخی دغدغه‌ها و مشکلات پیش‌روی آسایشگاه و جامعه افراد دارای معلولیت با مدیران رسانه‌ها به گفت‌وگو نشست. همچنین در جریان حضور در سرپرستی روزنامه اطلاعات، حسین مسگرانی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی، نیز حضور داشت که این فرصت زمینه‌ساز دیدار و گفت‌وگویی صمیمانه با وی شد. در این دیدار، درباره ظرفیت های فرهنگی‌وهنری‌توان خواهان آسایشگاه فیاض‌بخش و راه‌های توسعه تعاملات فرهنگی مجموعه گفت‌وگو وی حمایت خود را از این حوزه اعلام نمود. و تبادل نظر صورت گرفت و تفاهم سه‌جانبه برای برگزاری دوره آموزشی روزنامه‌نگاری در مشهد و در آسایشگاه فیاض‌بخش به امضا رسید.





روزنامه اطلاعات

امضای تفاهم نام سه جانبه بین حسین مسگرانی مدیر کل فرهنگ و ارشاد
وسید مهدی حسینی مدیر عامل آسایشگاه
سید محسن فرجادی سرپرست روزنامه اطلاعات
در خصوص برگزاری کلاس های خبرنگاری برای معلولین





هفته نامه نخست







روزنامه شهرآرا





هلدینگ خبرفوری











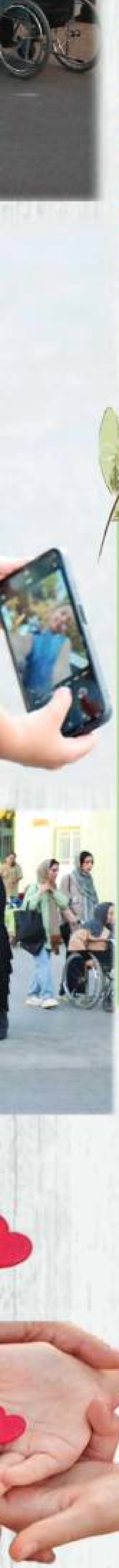




# یک بازارهزار لبخند

**شهریور ۱۴۰۵**

اولین نمایشگاه عرضه توانمندی ها و محصولات مددجویان آسایشگاه معلولین شهید فیاض بخش، با حضور و استقبال گرم مردم برگزار شد؛ بازارچه‌ای متفاوت که در آن، توانمندی، خلاقیت و تلاش مددجویان در قالب ۲۵ غرفه به نمایش درآمد. دستسازه‌ها و خوراکی‌های خوشمزه‌ای که با دستان توانمند مددجویان آماده شده بود، در معرض دید و فروش بازدیدکنندگان قرار گرفت. نکته زیبای این رویداد، حضور خود مددجویان به عنوان مدیران غرفه‌دار بود؛ فضای بازارچه طی سه روز برگزاری، سرشار از شور، نشاط و لبخند بود؛ حسی که نه‌تنها در چهره مددجویان، بلکه در میان بازدیدکنندگان نیز دیده می‌شد و جلوه ای زیبا از همراهی و همدلی مردم با فرزندان موسسه را به نمایش گذاشت. این نمایشگاه فرصتی شد برای حمایت از توانمندی‌های مددجویان و خرید محصولاتی که حاصل ذوق، تلاش و دستان هنرمند آنان است. همچنین در این سه شب که هم زمان شده بود با میلاد با سعادت پیامبر(ص) و امام جعفر صادق(ع) جشن هایی شاد با برنامه هایی متنوع برگزار شد به طوری که خاطرات بازارچه‌ی ده دوره بازارچه نیکو کاری را زنده کرد.






من بر پای خویش ایستاده‌ام
خانه من، حریم ا




بر پای خویش ایستاده‌ام


یک بال فکر و بال دیگرم، همت است




بر پرواز من، توانمندی من است













# دو نگاه در یک جهان



**نمایشگاه آثار نقاشی فرزند توانمندمان**

**هنرخانه درخت شهریور ۱۴۰۵**

گاهی یک نگاه، هزاران حرف ناگفته دارد و گاهی یک بوم سفید، به جایی برای ثبت احساساتی تبدیل‌می‌شود که واژه‌ها از بیان آن ناتوانند.چهار شب، هنرخانه درخت میزبان قصه‌ای متفاوت بود؛ قصه حمید شفاعتی، مهندس کامپیوتروهنرمند نقاش آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش مشهد که جهان درونی خود را با رنگ‌ها روایت کرد.

نمایشگاه نقاشی «دو نگاه در یک جهان» تنها نمایش مجموعه‌ای از آثار هنری نبود؛ روایتی بود از امید، تلاش و باور به توانستن. روایتی از انسانی که نشان داد هنر مرزی نمی‌شناسد و خلاقیت در هیچ چارچوبی محدود نمی‌شود. در طول چهار شب برگزاری نمایشگاه، هنرخانه درخت میزبان علاقه‌مندان هنر، نیکوکاران و همراهانی بود که برای دیدن آثار آمدند و با داستان یک هنرمند و مسیر الهام‌بخش او روبه‌رو شدند. سومین روز نمایشگاه، با حضور پرشور مددجویان آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش، به یکی از زیباترین قاب‌های این رویداد تبدیل شد؛ روزی سرشار از همدلی، افتخار و لبخند. **در آخرین روز نمایشگاه، مدیریت هنرخانه درخت با اهدای گواهی برگزاری نمایشگاه به حمید شفاعتی، از هنر و تلاش او تقدیر کرد**؛ گواهینامه ای که نشانه‌ای از دیده شدن و باور به توانایی‌های این هنرمند بود. حضور استاد سید حسن هراتی، از اساتید برجسته نقاشی، فرصت ارزشمندی برای بررسی و تحسین آثار فراهم کرد. همچنین مدیرعامل آسایشگاه معلولین شهید فیاض‌بخش، در گفت‌وگو با رسانه‌ها بر اهمیت فعالیت‌های فرهنگی و هنری توانخواهان و فراهم شدن فرصت دیده شدن استعدادهای آنان تأکید کرد. در این چهار شب، تعدادی از آثار آقا حمید عزیز نیز به فروش رسید؛ اتفاقی که تنها فروش یک اثر هنری نبود، بلکه حمایت از یک رویا و مسیری روشن برای استمرار امید به زندگی بود.

چهار شب گذشت، اما قصه «دو نگاه در یک جهان» همچنان باقی ماند؛ قصه هنرمندی که با آثار خود یادآور شد گاهی تنها یک فرصت کافی است تا جهانی تازه پیش روی انسان گشوده شود.







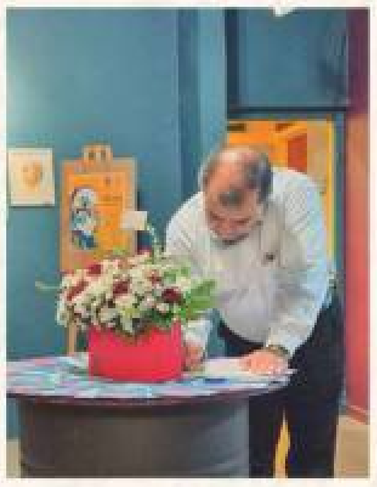




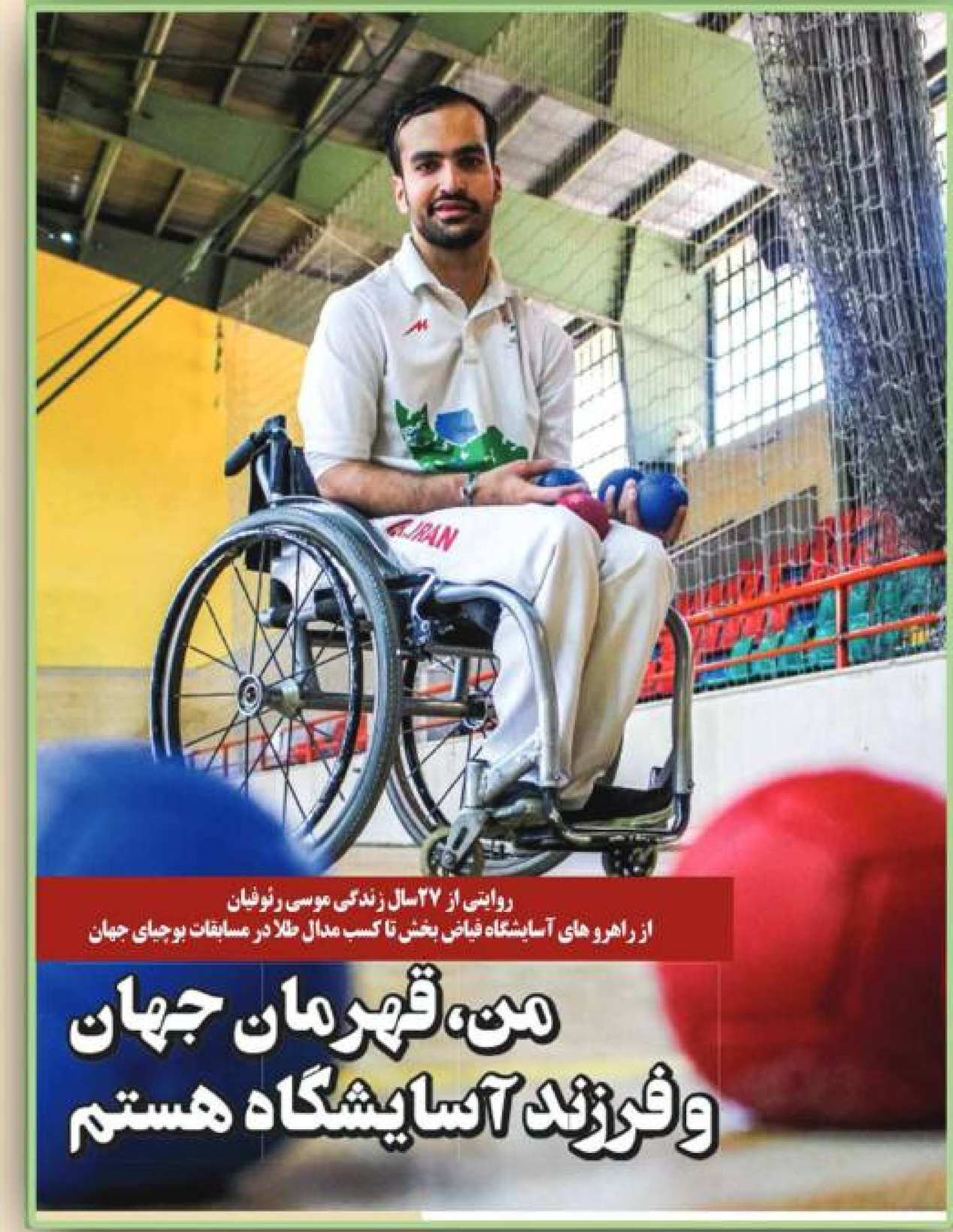













● حمیده صفائی

خنده از لب‌های موسی رئوفیان جدا نمی‌شود؛ خنده آرامی که حتی وقتی از سال‌های بزرگ‌شدنش در آسایشگاه فیاض‌بخش می‌گوید، باز هم روی صورتش می‌ماند.وقتی از او می‌خواهیم خودش را معرفی کند، بدون مکث می‌گوید: موسی، عضو تیم ملی بوچیا، بیست‌وهفت‌ساله.اما پشت این معرفی کوتاه، زندگی جوانی است که از نوزادی در آسایشگاه فیاض‌بخش بزرگ شده و از همان‌جا، به سکوی قهرمانی جهان رسیده است.او دیگر فقط یکی از بچه‌های فیاض‌بخش نیست؛ جوانی است که لباس تیم ملی را بر تن کرده، در قزاقستان بر سکوی نخست انفرادی ایستاده و برای خودش و دوستانش در آسایشگاه که آن‌ها را خواهران و برادرانش می‌داند، افتخار آفرین شده است.

## زندگی شیرین درفیاض‌بخش

زندگی موسی از نوزادی به فضای آسایشگاه فیاض‌بخش گره خورده است. او از ابتدایی‌ترین لحظاتی که جهان را شناخت، خودش را در این محیط دید، اما هیچ‌گاه با واژه تنهایی انس نگرفت و هرگز از شرایط زندگی‌اش گلایه نکرد. با همان خوش‌رویی می‌گوید: اگر آسایشگاه نبود، من هم نبودم. من فرزند آسایشگاه هستم. اینجا باعث شد که من پیشرفت کنم. نمی‌دانم اگر این مکان نبود، الان کجا و در چه شرایطی بودم. برای موسی، مسئولان آسایشگاه نقش پدر و مادری را دارند که سایه‌شان همواره بالای سرش بوده است و بچه‌هایی که در فیاض‌بخش زندگی می‌کنند.

برای موسی فقط هم‌اتاقی نیستند؛ آن‌ها را خواهران و برادران واقعی‌اش می‌داند که در غم و شادی یکدیگر شریک‌اند. در همه این ۲۷سال، یک‌بار هم کسی صدای گلایه او را نشنیده است. هیچ‌کس یادش نمی‌آید که او از معلولیتش شاکی بوده باشد. او تقدیر را پذیرفته، اما تسلیم آن نشده است این را می‌توان از حرف‌هایش فهمید، درست وقتی که می‌گوید: خدایا ممنونم که آسایشگاه من را پذیرفت. حتی درباره معلولیتش می‌گوید: این شرایط قسمت من بوده است و من با همین قسمت، راهم را پیدا کرده‌ام. مشکلات خودم را نمی‌توانم به گردن خدا بیندازم.



## کشف یک استعداد

رسم آسایشگاه بر این است که افراد با فضای بیرون آشنا شوند. برای همین بچه‌ها در بخشی از دوران تحصیل به مدارس بیرون از آسایشگاه می‌روند. همه‌چیز برای قهرمانی موسی از مدرسه استثنایی «کوشا» در بولوار فرودگاه شروع شد. وقتی او به‌همراه دوستانش برای تحصیل به این مدرسه می‌رفت، زنگ ورزش، معنای دیگری پیدا کرد. معلم ورزش متوجه پسری نشسته بر ویلچر شد که همیشه با چشمان خندانش با تمرکز و دقت به توپ‌ها نگاه می‌کرد. بالاخره پس‌از مدتی بازی در تیم بوچیای مدرسه، حرکات دستش هنگام پرتاب توپ، استعداد نهفته‌اش را نشان داد. یکی‌دو ماه تمرین در مدرسه کافی بود تا مسئولان ورزشی فیاض‌بخش متوجه توانایی‌های او شوند. آسایشگاه فیاض‌بخش سال‌هاست پرچم‌دار ورزش‌های توان‌یابان است و تیم‌داری در شرق کشور را برعهده دارد. حالا موسی عضو تیم بوچیای آسایشگاه شده بود و در مسابقات متعددی شرکت می‌کرد. آن روزها وحید نیک‌فرجام، سرمربی تیم بوچیای آسایشگاه بود؛ مردی که بعدها سرمربی تیم ملی بوچیای ایران شد و در مسابقات در کنار موسی بوده است. موسی از آن روزها تعریف می‌کند و می‌گوید: وقتی شانزده‌ساله بودم و تازه در این رشته بازی می‌کردم، تصور نمی‌کردم یک روز لباس تیم ملی را بر تن کنم. این اتفاق یک رؤیای دور برای من بود. اما مربی‌ام همیشه می‌گفت «موسی، تو جای پیشرفت داری. تلاش کن و عقب ننشین.» اولین میدان رسمی مسابقه برای او در هتل توریست توس بود. موسی روی ویلچر نشست، توپ‌های چرمی آبی و قرمز را در دست گرفت و با دقت آن ها را به سمت هدف می‌انداخت. درنهایت هم در این مسابقه توانست مقام اول را کسب کند. خاطره آن روز برای موسی ماندگار شد.

## توپ و آرامش

وقتی از او می‌پرسیم ورزش بوچیا چگونه انجام می‌شود، با حوصله می‌گوید: ورزشی مخصوص ورزشکاران با معلولیت‌های شدید جسمی‌حرکتی است. بازی با یک توپ هدف سفید آغاز می‌شود که روی زمین قرار دارد. بازیکنان باید با تمرکز و دقت توپ‌های قرمز یا آبی خود را تا حد ممکن نزدیک به توپ سفید پرت کنند، هرچه نزدیک‌تر، امتیاز بیشتر، او ادامه می‌دهد: این ورزش به من آرامش می‌دهد. درست مثل شطرنج که به آن هم علاقه دارم و بازی می‌کنم.

## به خاطر مرتضی ادامه دادم

درمیان گفت‌وگویمان که با لبخند موسی همراه است، نام مرتضی، فضا را تغییر می‌دهد. ناگهان صدای موسی آرام و چشمانش پر از اشک می‌شود. بغض جای خنده را می‌گیرد. نمی‌دانم موسی به چه فکر می‌کند، اما با یادآوری خاطرات، نگاهش را از ما می‌دزد و پی حرفش را این‌طور می‌گیرد: مرتضی رباط‌جزی، اهل سبزوار و یکی از بهترین دوستانم بود. او هم برای تمرین بوچیا به مشهد می‌آمد. هم‌تیمی و بهترین دوستم بود. هردو با هم تلاش می‌کردیم تا عضو تیم ملی بشویم. سرش پایین است و با لبه‌های میز مقابلش بازی می‌کند. پس از کمی مکث ادامه می‌دهد: چهارسال پیش، یک حادثه تلخ و دردناک، رؤیاهای من و مرتضی را بر باد داد. یک راننده که می‌گفتند هوشیارنبوده، با سرعت به‌سمت پیاده‌رو می‌آید و به مرتضی که سوار بر ویلچر درحال عبور بود، می‌زند. دوست من برای همیشه رفت و تنها خاطراتش برای من باقی ماند. با همان غمی که در صدایش است، توضیح می‌دهد: وقتی مرتضی رفت، من خیلی افسرده شدم. هنوز هم بعداز چهارسال وقتی یادش می‌افتم، دلم می‌سوزد. مرتضی حیف شد. همیشه با خودم می‌گویم مسئولان به ما معلولان اهمیت نمی‌دهند. اگر مرتضی امکانات داشت، اگر سرویس مناسبی برای رفت وآمدش داشت، مجبور نبود کنار خیابان حرکت کند تا یک راننده بی‌ملاحظه، زندگی‌اش را تمام کند. مکث موسی طول می‌کشد، خودش را جمع‌وجور می‌کند و سعی می‌کند دوباره لبخند بزند. ادامه می‌دهد: نبود مرتضی باعث نشد من عقب بکشم. برعکس، به خاطر او تلاشم را چندبرابر کردم تا روحش را خوشحال کنم. من با او پیشرفت کرده بودم و باید راهش را ادامه می‌دادم تا به من افتخار کند.به‌خاطر مرتضی ادامه دادم درمیان گفت‌وگویمان که با لبخند موسی همراه است، نام مرتضی، فضا را تغییر می‌دهد. ناگهان صدای موسی آرام و چشمانش پر از اشک می‌شود. بغض جای خنده را می‌گیرد. نمی‌دانم موسی به چه فکر می‌کند؛ اما با یادآوری خاطرات، نگاهش را از ما می‌دزدد و پی حرفش را این‌طور می‌گیرد: مرتضی رباط جزی، اهل سبزوار و یکی از بهترین دوستانم بود. او هم برای تمرین بوچیا به مشهد می‌آمد. هم‌تیمی و بهترین دوستم بود. هردو با هم تلاش می‌کردیم تا عضو تیم ملی بشویم سرش پایین است و با لبه‌های میز مقابلش بازی می‌کند. پس از کمی مکث ادامه می‌دهد: نبود مرتضی باعث نشد من عقب بکشم. برعکس، به خاطر او تلاشم را چندبرابر کردم تا روحش را خوشحال کنم. من با او پیشرفت کرده بودم و باید راهش را ادامه می‌دادم تا به من افتخار کند.

## نمی‌شودبرایم معنا ندارد

وقتی از موسی می‌پرسم زمان ناامیدی چه می‌کنی، با لحنی که هیچ نشانه‌ای از تردید در آن نیست، پاسخ می‌دهد: در زندگی‌ام واژه «نمی‌شود» وجود ندارد. اگر بخواهم کاری را انجام دهم، دل به دریا می‌زنم و جلو می‌روم. برای رسیدن به هدفم واقعا تلاش می‌کنم. از کودکی در بخش دانش‌آموزی آسایشگاه،روان‌شناسان مجموعه به ما یاد داده‌اند که نباید از چیزی بترسیم یا ناامید شویم .او یاد روزهای اولی می‌افتد که قرار بود برای تحصیل به بیرون از آسایشگاه برود. تعریف می‌کند: اوایل می‌ترسیدم. اما با خودم گفتم من می‌توانم. ترس را کنار گذاشتم و پس‌از چندروز رفت‌وآمد به مدرسه مشکلی نداشتم. اما نگاه‌های مردم اذیتم می‌کند. بعضی از مردم وقتی ما را در خیابان می‌بینند، نگاه ترحم‌آمیز دارند، انگار تابه‌حال معلول ندیده‌اند! ما خودمان نخواستیم معلول بشویم. اتفاقی بوده که افتاده. از مردم می‌خواهم حواسشان به رفتارشان باشد. ما را از روی ظاهر قضاوت نکنند. ما فقط می‌خواهیم مثل بقیه شهروندان، زندگی عادی داشته باشیم.

## اشک شوق برای مدال طلا

بیش‌از دو سال است که رئوفیان لباس تیم ملی بوچیای ایران را بر تن دارد. مدال‌های کشوری و استانی‌اش آن‌قدر زیاد است که خودش هم تعدادشان را به خاطر نمی‌آورد. موسی لحظه‌ای که خبر ملی‌پوش شدنش را شنید، هرگز از یاد نمی‌برد. تعریف می‌کند: وقتی فهمیدم عضو تیم ملی شده‌ام، حس عجیبی داشتم. خستگی این سال‌ها از تنم درآمد. از خوشحالی مو بر تنم سیخ شد. اولین کاری که دلم می‌خواست انجام دهم، این بود که این خبر را به خانواده‌ام در آسایشگاه فیاض‌بخش بدهم.

موسی می‌گوید: زمانی‌که پیراهن تیم ملی را پوشیدم، فقط به یک چیز فکر می‌کردم: باید صد خودم را بگذارم. باید اول شوم.

تلاش بی‌وقفه او در مسابقات بین‌المللی قزاقستان به بار نشست. مسابقاتی فشرده و سنگین با حضور سی‌تیم. در طول دوازده‌بازی، موسی حتی یک باخت نداشت و درنتیجه، مقام اول و مدال طلای انفرادی جهان و مدال نقره تیمی را به دست آورد.

تعریف می‌کند: وقتی مدال طلا را به گردنم انداختند و پرچم ایران بالا رفت، از خوشحالی اشک می‌ریختم. برایش تلاش کرده بودم. آن لحظه، شیرین‌ترین زمان زندگی‌ام بود.





## رؤیای توکیو

موسی قهرمان جهان است، خنده‌رو و پرانرژی. وقتی از او می‌پرسم چه چیزی در زندگی او را شاد می‌کند، بلافاصله جواب می‌دهد: ورزش. راستش ورزش آن‌قدر برایم جذاب است که هیچ‌چیز دیگری جایش را نمی‌گیرد. اگر خدا بخواهد، امسال هدفم قهرمانی در مسابقات پاراآسیایی ژاپن است. شب و روز .تمرین می‌کنم؛ چون دوست دارم در این مسابقات هم مدال طلا بگیرم .

بعد بلند می‌خندد و می‌گوید: اگر ورزشکار نمی‌شدم، حتما کار دیگری پیدا می‌کردم. موسی آدمی نیست که بتواند یک‌جا بیکار بنشیند.



**قال رسول ا...(ص)  مَنْ قادَ اَعمى أَرْبَعينَ خُطْوَةً غُفِرَلَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.**

(نهج الفصاحه، ش ۲۹۱٦)

دارلرعاية المعاقين شهيد فياض بخش(عبدا... هنرى) مشهد في لمحة

قطعة أرض من مدينة الجنة، في بلد ايران، أرض الشمس هي مأمن و بيت دافى للملائكة ارضية و بغير مأمن. املهم بعد ا... و امام الرئوف، امام الرضا(ع) يكون محسنين و حبهم و حنانهم مشمول ٥٥٠ معاق في هذه المعهد.

١-تأسست هذه"المؤسسة"الخيرتة"في عام: ١٣٥٠

٢-عدد المعوقين : ٥٥٠ معاق الجسدياً و خدمة شهرية لـ ١٢٠٠ معاق خارج من هذه المؤسسة

٣-الجنس: للرجال و للنساء

۴- العمر: من الرضيع الى المسنين

۵-الخدمات التي تقدمها هذه المؤسسة الخيرية: الخدمات الطبية / الخدمات النفسية / الخدمات الاجتماعية / الخدمات التربوية / الخدمات العلاج بالعمل / الخدمات العلاج الطبيعي / الخدمات التعليمي(من مرحلة الاتبدائية الى الجامعية)

۶-العاملون: المدير العام / ناظر / طبيبة / رئيس ممرضات / ممرضة مسئولة / مدرسات / أخصائية نفيسة / اخصائية اجتماعية / اخصائية العلاج الطبيعي / أخصائية العلاج بالعمل / أخصائية العلاج بالنطق / أخصائية تغذية / محاسب عمال التنظيف / عمال الغسيل / فنيون / الطباخون

٧-نوع الادارة المعهد و التمويل و المصروفات : مجلس الأمناءو بمساعدة الناس

٨-المصاريف الشهرية للمؤسسة : ٢٢ مليارات تومان

٩-تكاليف الصيانة الشهرية لكل معوق: ٢٢ ملايين تومان

١٠-النشاط التطوعي و المتطموعون:

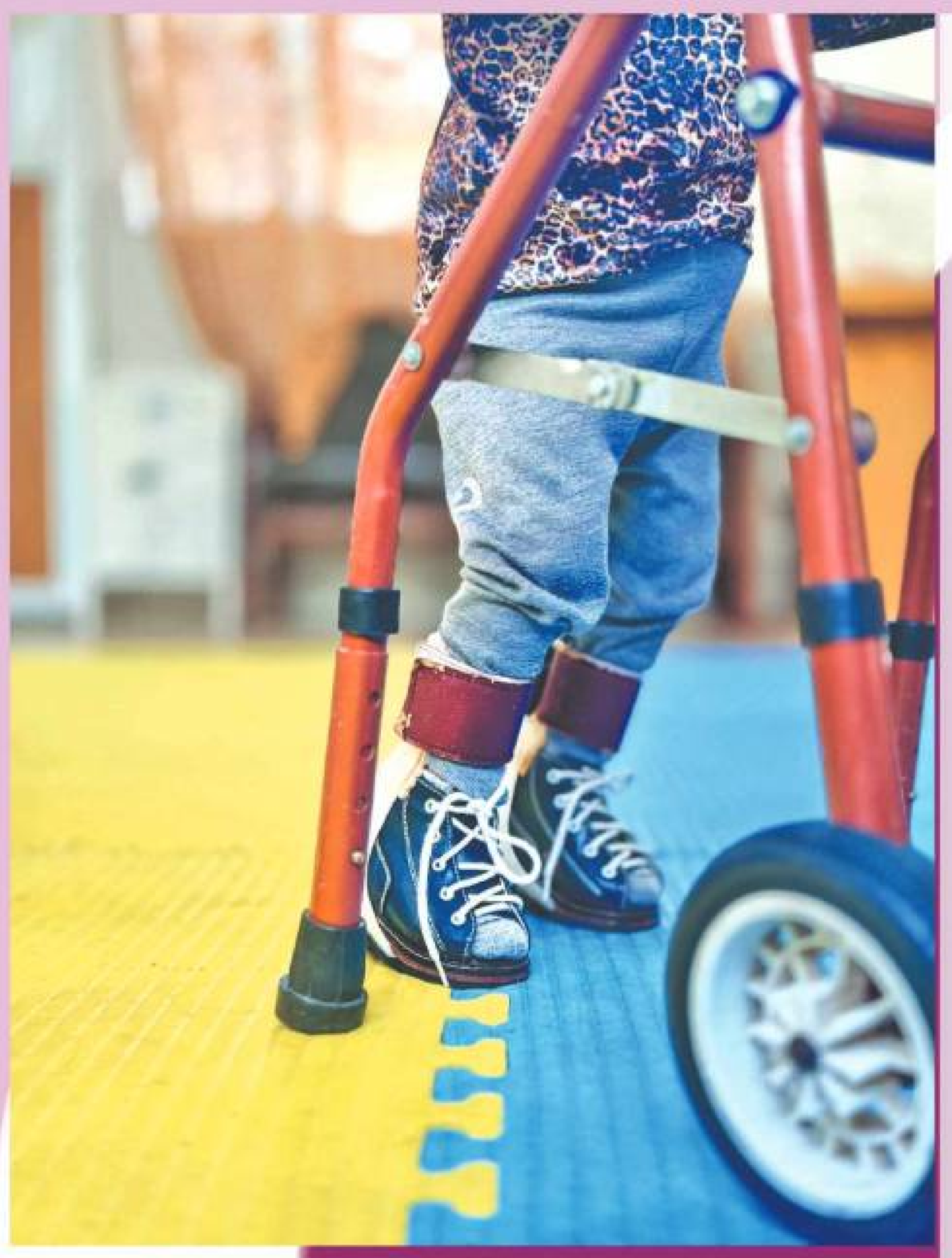
الف: النشاط الطبي / ب: النشاط التعليمي / ج: النشاط الاجتماعي / د: النشاط الترفيهي / ه: النشاط الرياضية / و: النشاط الثقافية / ز: النشاط الدنيية

وفي الختام: نظراً لحقيقة أن بناء هذه المؤسسة مستهلک، فاننا نعيد بناء المبنى  ونحتاج الى مساعدة اهل الخير

رقم حساب المصرفية :  ٣٣٠٠٠٣٥٠/٧٠  رقم البطاقة المصرفية :  ٦١٠٤٣٣٧٧٧٠٠٧٩٢٠٨

عنوان : مشهد المقدسة، ساحة شهيد فهميدة، دارلرعاية المعاقين شهيد فياض بخش(عبدا... هنرى)

الهواتف:  ٩٨٥١٣٦٥٨٢١٨٤ +



The life story of all those who have entered this resort has a common idea, called altruism. More than ,fifty years ago
Dr Mohammad Aristoopour and Abdullah Honari and their friends established this shelter. The tale was about giving shelter to the derelicts; reaching that purpose needed a peerless idea and strong will. Then, they thought to provide a better life for the disabled. Arastoopour and Honari constructed
a building, including some dormitories and a tiny administrative department. the building ,1972 While in was opening, Honari had .passed away

# Fayyazbakhsh

**Activities, services, and a short report:**

* the management system is based on a board of trustees;
* Donations and peoples' aid provide budgets and expenses;
* Monthly expenses of about 150,000 dollars.
* As the construction is old, rebuilding is on going;
* 24-hour services for more than 550 disabled;
* daily service for 8400 disabled who don't live in the center;
* a. including men and women: both infant and elder;

* rehabilitation:
* a. Medical and Nursing Services
* b. Social Work
* c. psychohogy
* d. speech therapy
  e. occupational therapy

educational
arts and cultural activities
dental services
skill training
sports activities

**KINDNESS IS A LANGUAGE THAT ANIMALS ALSO UNDERESTAND**

God, We have everything we have thanks to you and the kindness of your friends



# چرم مشهد

## Mashad Leather

برای آنان که به زیبایی می اندیشند

فروشگاه های تهران

ونک: ۸۸۷۸۴۳۸۱-۰۲۱
ولیعصر: ۸۸۹۰۳۹۵۸ -۰۲۱
گلستان: ۸۸۰۹۷۰۱۸-۰۲۱
فردوسی: ۶۶۷۱۱۹۷۴-۰۲۱
هایپراستار: ۴۴۱۶۷۰۴۶ -۰۲۱
کریم خان: ۸۸۳۱۰۳۸۵-۰۲۱
الماس ایران : ۲۲۹۵۹۸۲۰-۰۲۱
سمرقند: ۴۴۴۱۸۲۵۵-۰۲۱
میرداماد: ۲۲۲۲۳۰۵۴-۰۲۱
میلاد نور: ۸۸۳۷۰۷۹۹-۰۲۱
برج میلاد: ۸۸۶۲۰۳۶۱-۰۲۱
تجریش: ۲۶۸۵۰۶۵۱-۰۲۱
هفت حوض: ۷۷۴۵۴۹۶۱-۰۲۱

فرودگاه بین المللی امام

فروشگاه های مشهد

رضا: ۸۵۴۴۴۵۴-۰۵۱۳
دانش: ۸۵۹۸۱۴۰-۰۵۱۳
سجاد: ۷۶۱۰۲۲۲ -۰۵۱۳

پروما: ۷۶۴۸۵۸۲-۰۵۱۳
احمد آباد: ۸۴۴۲۱۸۹-۰۵۱۳
آلتون: ۸۴۹۱۲۶۴-۰۵۱۳
هتل قصرطلایی: ۸۵۵۲۱۹۵-۰۵۱۳
الماس شرق: ۷۱۱۳۹۳۱-۰۵۱۳
هتل درویشی: ۸۵۵۴۰۲۷-۰۵۱۳
ورسیج: ۸۴۶۹۵۵۴-۰۵۱۳

فرودگاه مشهد

فروشگاههای اصفهان

توحید : ۶۲۹۰۵۲۸-۰۳۱۱
چهارباغ: ۶۶۷۴۶۴۷-۰۳۱۱
سیتی سنتر: ۶۵۱۷۸۵۸-۰۳۱۱

سایر شهرستان ها

آمل: ۲۲۲۶۷۰۲-۰۱۲۱
اراک : ۳۲۲۳۶۲۹۲-۰۸۶
اردبیل: ۵۵۱۶۸۹۹-۰۴۵۱
اهواز۱: ۲۲۳۶۸۳۶-۰۶۱۱
اهواز۲: ۳۳۸۰۷۶۶-۰۶۱۱
ارومیه: ۳۴۴۷۵۸۲-۰۴۴۱

رویان: ۶۲۴۶۵۷۵ -۰۱۲۲
زاهدان: ۳- ۲۴۲۲۶۴۲-۰۵۴۱
زنجان: ۳۲۲۹۴۲۳-۰۲۴۱
ایلام: ۲۲۴۵۸۱۷-۰۸۴۱
بابلسر: ۵۲۲۶۷۲۴-۰۱۱۲
بجنورد: ۲۲۳۶۴۱۸-۰۵۸۴
بندرانزلی: ۴۲۴۲۴۸۸-۰۱۸۱
بندرعباس: ۲۲۵۰۸۲۱-۰۷۶۱
تبریز: ۳۳۲۳۲۲۰-۰۴۱۱
چالوس: ۲۱۶۴۹۱۶-۰۱۹۱
رشت: ۶۶۶۹۶۹۸۵-۰۱۳۱
گرگان: ۲۳۵۹۱۸۱-۰۱۷۱
همدان: ۸۳۱۱۰۲۵-۰۸۱۱
یاسوج: ۲۲۳۵۹۸۹-۰۷۴۱
یزد: ۶۲۶۱۳۷۳ -۰۳۵۱
ساری: ۲۲۷۴۸۹۵-۰۱۵۱
سمنان: ۳۲۴۸۴۹۰-۰۲۳۱
شیراز۱: ۴۶۸۳۳۲۲-۰۷۱۱
کرمانشاه: ۷۲۷۳۷۰۳-۰۸۳۱

شیراز۲: ۶۶۶۵۸۳۹-۰۷۱۱
قزوین: ۳۳۲۵۰۰۱-۰۲۸۱
کرج: ۳۲۲۶۵۷۳۵-۰۲۶
کرمان: ۲۴۴۱۴۸۶ -۰۳۴۱

خارج از کشور

Australia: +61-390785181
Bosnia: +387-61149220
Erbil: +964-7508440201
Malaysia: +60-3211003423

تهران- اداره مرکزی : ۰۲۱-۲۲۰۱۲۶۰۳
مشهد - دفتر مرکزی : ۰۵۱۳-۸۴۲۶۳۶۳
مشهد - کارخانه : ۰۵۱۲-۲۵۵۳۲۳۲

www.mashadleather.com

فافا

میاد




www.fafa.ir

fafafood.co

مزه های بی پایان

# چاکلز®

www.chuckles.ir

chuckles_fans




**با شما همچنان قصه مهربانی ادامه دارد ...**

مشهد - بزرگ راه امام علی (ع) - میدان شهید فهمیده به سمت میدان قائم (عج) جاده اختصاصی آسایشگاه

روابط عمومی ۳۶۶۶۶۰۰۰ - ۰۵۱ / تلفن خانه ۳۶۶۶۶۳۲۰ - ۰۵۱

دفتر مرکزی مشارکت ۳۶۶۶۶۱۶۶ - ۳۶۶۶۶۳۶۶ - ۰۵۱

کارت بانک ملی ۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۱۰۳۹۱ / کارت بانک ملت ۶۱۰۴۳۳۷۷۷۰۰۷۹۲۰۸

fayyazbakhshcharity

www.fbrc.ir